

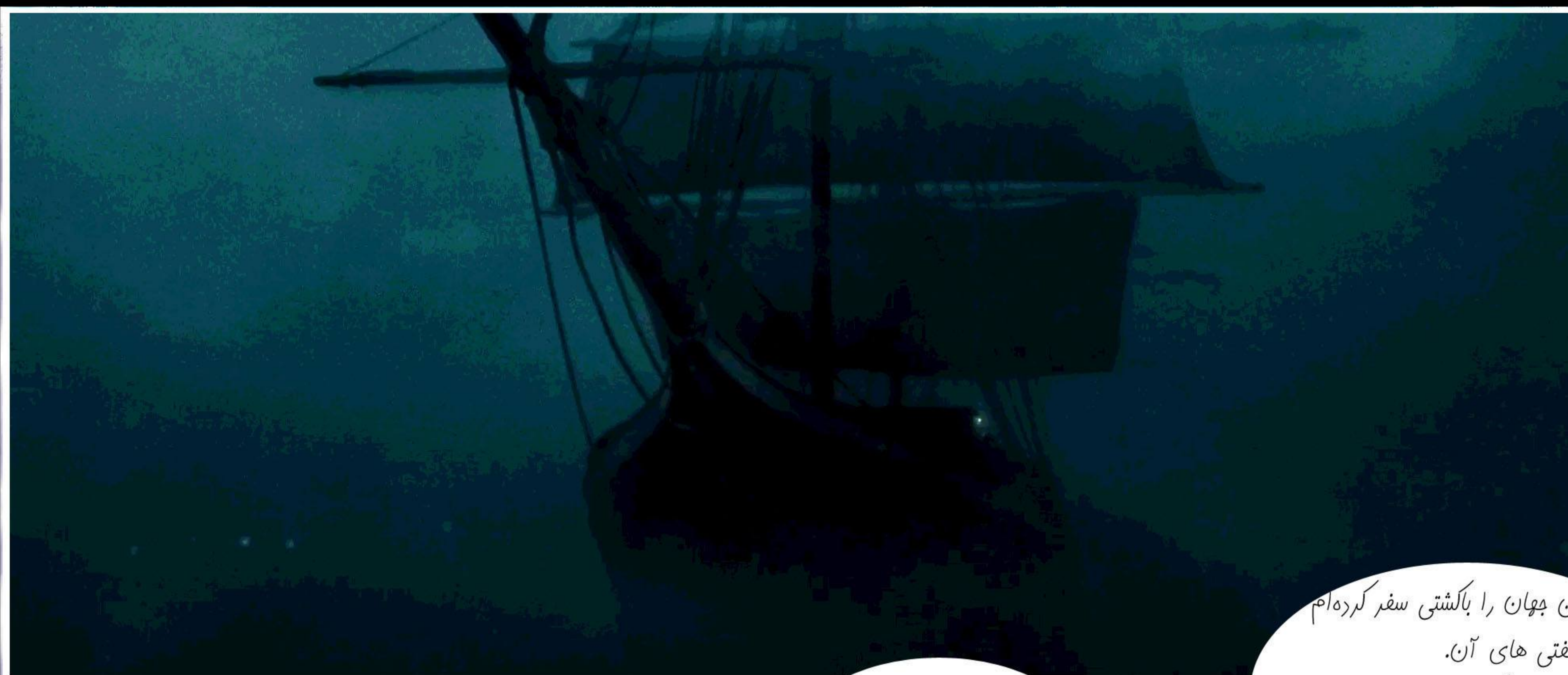


NEVER FORGET
NEVER FORGIVE

JOHNNY DEPP
IS
A TIM BURTON FILM
SWEENEY TODD
THE DEMON BARBER OF FLEET STREET

DREAMWORKS PICTURES AND WARNER BROS. PICTURES PRESENTS A HARVEY WEINSTEIN PRODUCTION A TIM BURTON FILM JOHNNY DEPP HELENA BONHAM CARTER
ALAN RICKMAN "SWEENEY TODD: THE DEMON BARBER OF FLEET STREET" TIMOTHY SPILL AND SARAH BARON COHEN MUSIC BY STEPHEN SONGHEIM COSTUME DESIGNER STEPHEN SONGHEIM AND RUGH WHEELER
EDITED BY HAROLD PRINCE EXECUTIVE PRODUCERS CHRISTOPHER BOND AND COLLEEN FITZWOOD PRODUCED BY CARIS LEBENZON, A.K.A. "DANTE FERRETTI" DIRECTED BY DARIUSZ WUJSAK, M.P.S.

مترجم: ناشناس انتساب و پینش تصاویر: تیم گرافیک  فیلم باز!!



من جهان را باکشتی سفر کرده‌ام
در کنار شکفتی های آن.
از گردنه داردانیل تا کوههای پرو
اما هیچ جا مثل لندن همیشه

تو خیلی جوان هستی
زندگی با تو مهربان بوده
باید این رو بدونی



آقای تار؟

اونجا یه گوداله توی دنیا
که شبیه یه سوراخ بزرگ و سیاهه.
و جانورانی موزی که توی اون ساکن شدن.
و افلاق و شفصیت اونجا اندازه کف دهن یک
فوک هم نیست.
و همه بهوش میکنن لندن



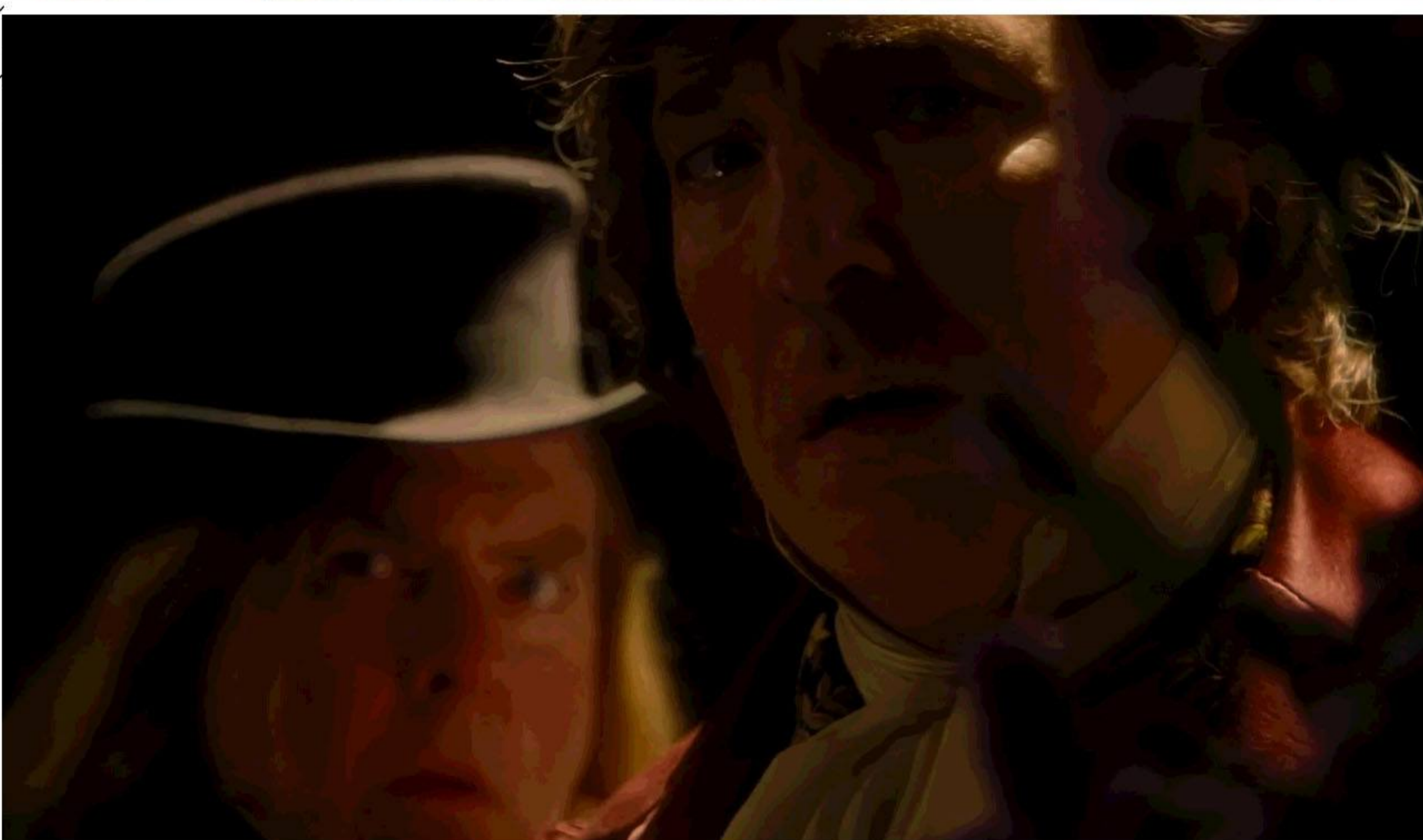
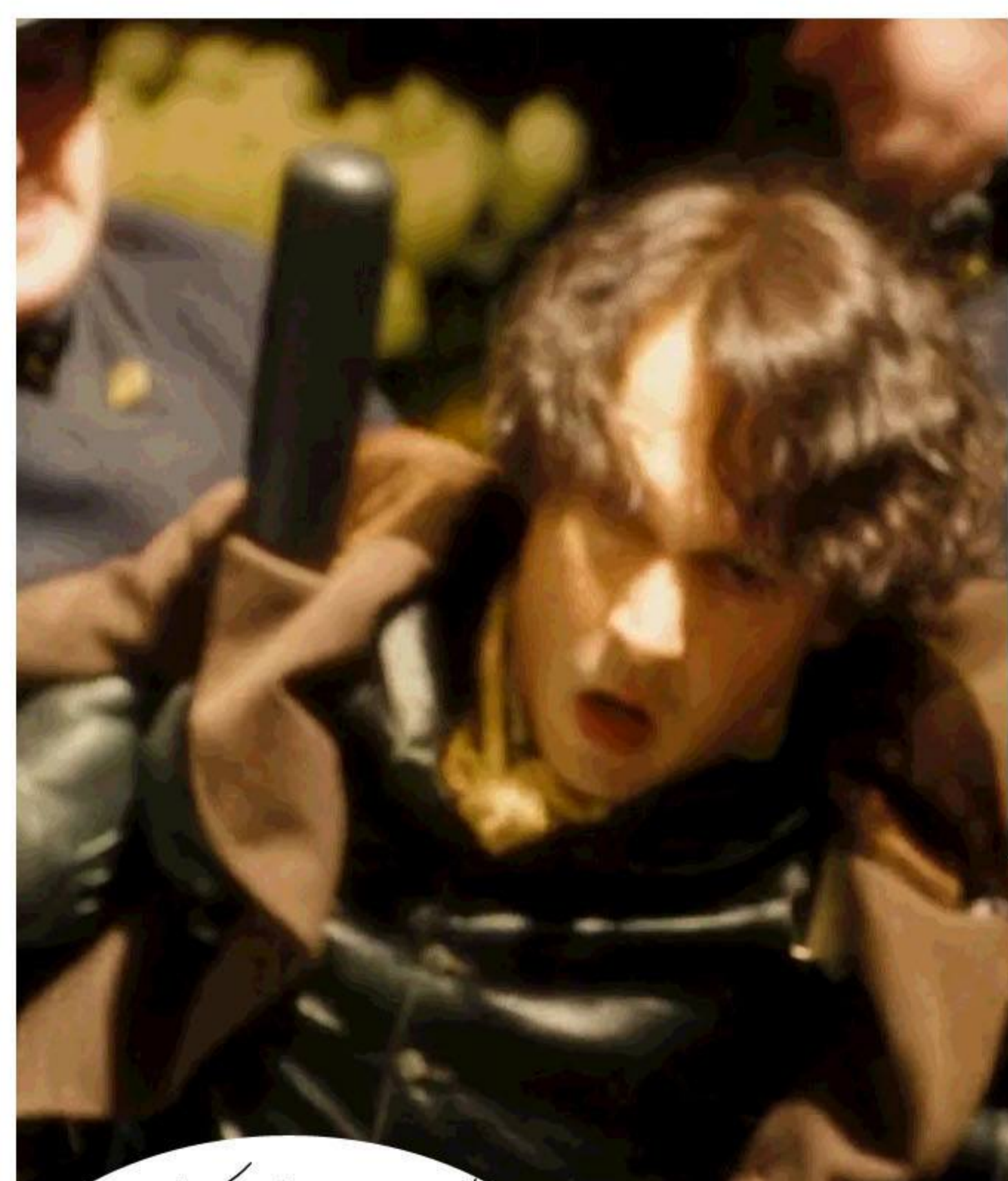
آقای تار، همه چیز روبه راهه؟

از زیاده روی ام عذرخواهی میکنم
ذهن من آسان به دور دستها میره... در یکی
از فیابان های آشنای اینجا
من سایه هایی احساس میکنم

یک آرایشگر و همسرش. اون خیلی زیبا بود...
یک آرایشگر دیوانه و همسرش...اون عقل و زندگی اون مرد بود...و خیلی زیبا بود...
و خیلی پرهیزکار بود.
و اون مرد ، خیلی ساده بود



یک مرد دیگه هم اونرو دید و دید که فقیر، اون زیباست.
یک عوضی لاشخور قانون، با یک ژست فشن آرایشگر رو از اونجا
بیرون کرد...بدون اینکه اتفاقی افتاده باشه و اون فروریفت.



آه چندین ساله که این
اتفاق افتاده. خیلی ازت ممنونم
آنتونی، آکه تو منو به خودم نیاری من
هنوز گمشده در اقیانوس ها هستم.

-فانمتون آقا. اونوقت اون فانم
تسلیم شد؟
-من کجا میتونم شمارو بینم؟



آکه دوست دارید میتونید منو
اطراف خیابان فلینت پیدا کنید.

برای شیرینی (پای) اومدید دیکه ؟
باید منو ببشیدر آکه یه کم نامرتب هستم احتمالا اینها بدترین
پای در لندن هست.
با این قیمت گوشت هیچ پای تعجبی نداره
زمونته سفتیه زمان سفت میگذره

راستش رو بگو ، فوشگل
برای از بین بردن مزه اون به چیززی بیشتر
از یه نوشیدنی احتیاج داری؟ با من بیا تا یک
شراب عالی بهت بدم



یه اتاق اون پشت
فروشگاه نبود ؟

آکه زمونته فیلی سفت میگذره ، چرا
اچاره ش نداری ؟

مردم فکر میکنند اینبا
چن زدست. در گذشته اتفاقهای
بری اینبا افتاده.
یک آرایشگر و همسرش.



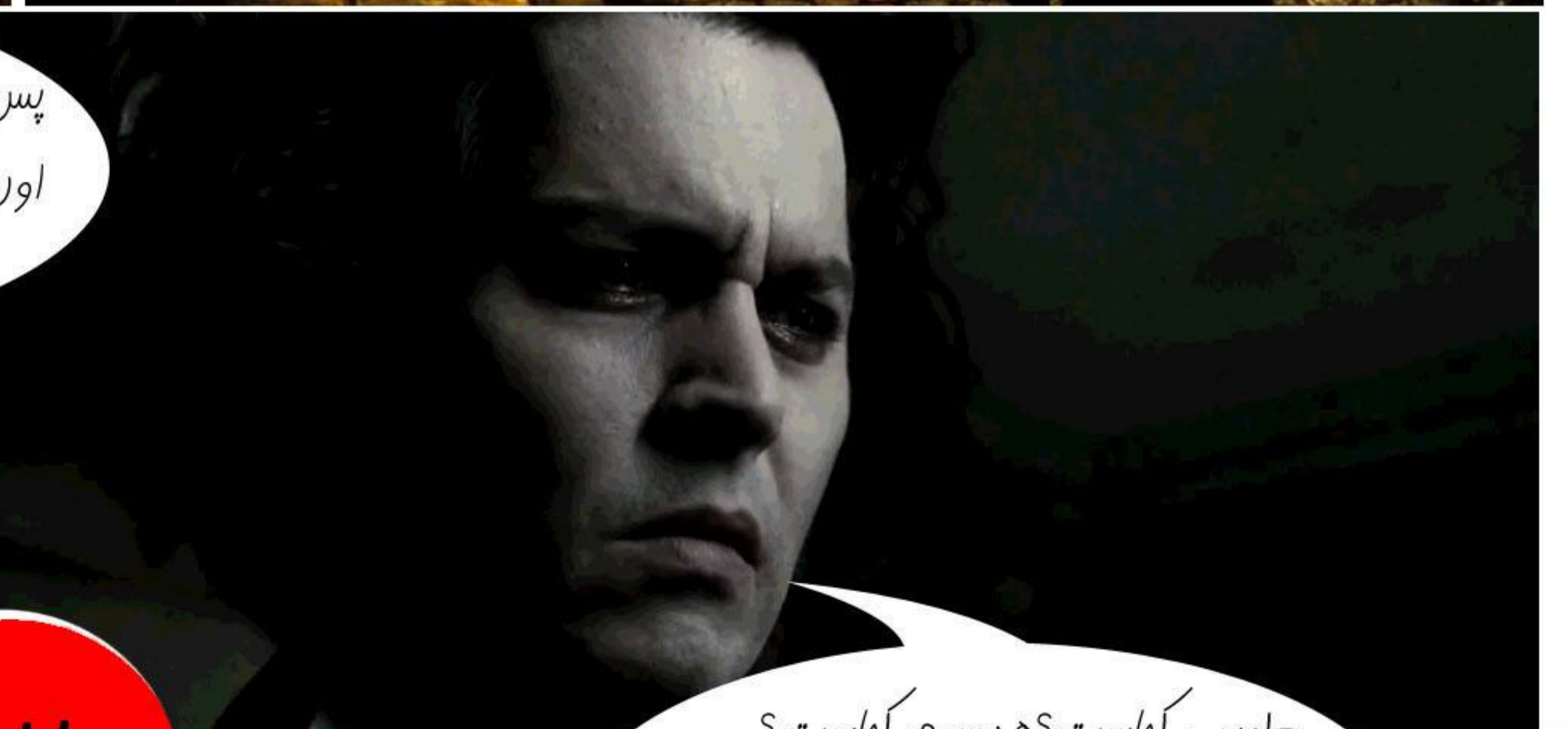
اون آرایشگر فیلی زیبا بوده. یک هنرپیشه پیره دست با چاقوش.
اما اون رو از زندگیش طرد کردند. اسمش باکر بود. بنجامین بارکر.
اون زن داشت. اما شانشش مثل یه فط نازک ماه بود.
یک قاضی ام اونبا بود .. میدونی. مثل دیوونه ها خاطر خواهش شده بود.
هر روز بر اش کل میفرستاد. اما اون نمیخواست از توی بریش پائین بیار
تا اینکه...



نه... این کارو نکن.



پس واقعا فوتی. بنجامین بارکر...
اون فوکشی کرد اما اون مرد دقتت رو نگه داشته



-لوسی کیاست؟ همسرم کیاست؟
-بارکر دیکه مرده و حالا تار میفواد ازش
انتقام بگیره

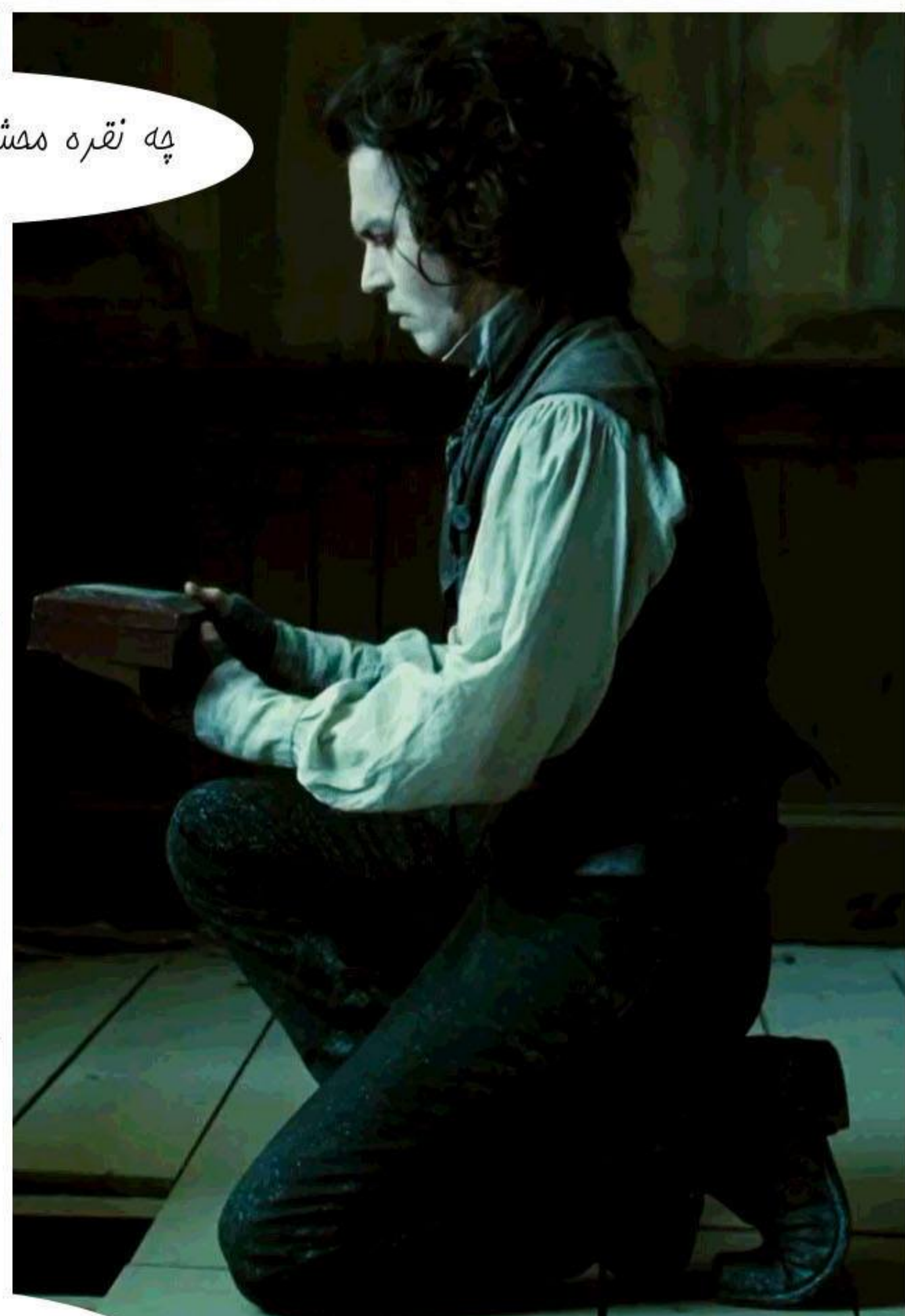


وقتی برای اون دختر کوچولو اومدن من
مفنی شون کردم. من فقط بعضی چیزها رو مفنی میکنم



چه نقره مشری داره ، اینطور نیست؟

اینجا دوستان من هستند.
بین چه برقی داره... چگونه در نور لبخند میزنه
دوستان ، از شما باید یاقوت قرمز بپلگ
بزودی یاقوتهای گرانبهائی از شما فواهد بکاید
تنهام بزار.

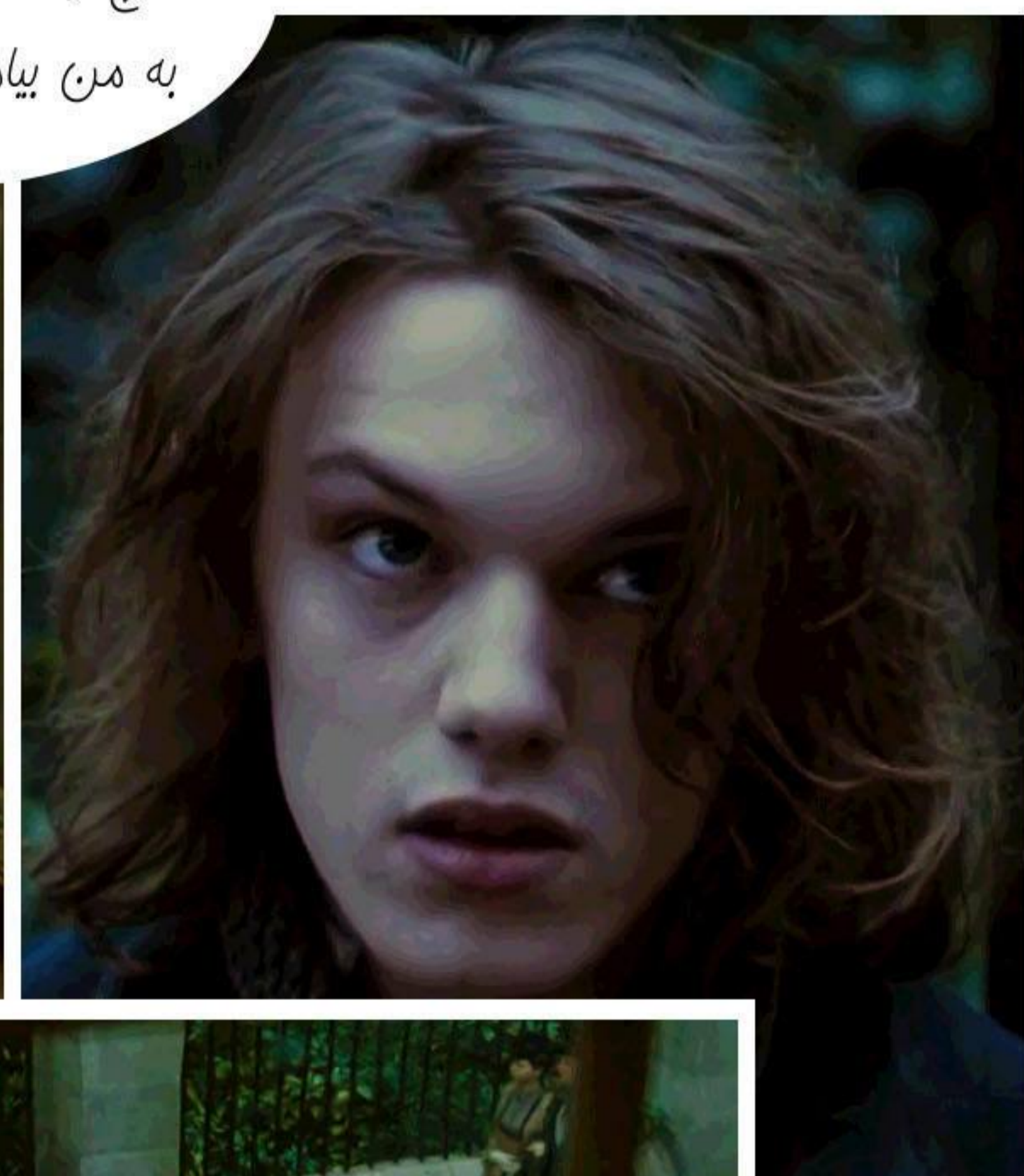


در آخر ، دوستان من دوباره کامل شد



وقتی اسیر اونجایی
هیچ وقت شاری نیست.
به من پیاموز چگونه اینطور باشم

فنج سبز، هزارستان، پرند سیاه!
چگونه آواز میفونید؟
پطور میتونی شاد باشی وقتی در قفس نشستی؟
قفس من اتاقهای زیاری داره مشیر و تاریک.
برون هیچ اوازی
هیچ وقت شاری برای من نیست.



فانم میتونید به من بگیرد این فونه ی کیه؟
و اون دقتی که اونیا زندگی میکنه کیه؟

فونه ی بزرگ قاضی ترپین اینباست.
و اون جواناست. کومپولوی زیبا. اون ازش نگهداری میکنه.
اون همه جا رو قفل کرده. آگه به اونیا نزدیک بشی متما شلاق های
فوبی نصیبت میشه

فیلم باز!!



یه ملوان باید تمرین کنه که تمام راه های دنیا رو بشناسه. تمریناتی این چنین...

بله، این شعر واقعا بزرگه من فکر میکنم کم شرم توش باعث شرمندگی به ملوانه که اینطوری بشه

کفتی میفوی هار پارک رو ببینی درسته؟



بیا تو پسر جان

فامشه ای از ژاپن... همفوابه ای در سیام... همجنس بازی در یونان... هرزه ها در هند... همه رو اینبا دارم. تمام چیزهائی که باید بدونی تا با فامشه ها بطور رفتار کنی کدومو میفوی ببینی؟



من فکر میکنم اشتباهی شده



تو جوانا زنرانی من رو دید میزری تو برای اون آوازخوانی کردی آکه یکبار دیکه قیافت رو توی این فیابون بینم متما از به دنیا اومدنت پشیمون میشی.



شنیدی قاضی تروپین چی گفت؟ دفعه بعد مغز قشنگت تو پیاره رو ست



این تیغ ها رو ببینید؟
من ۵ پوند روی اینها قیمت میگذارم
تصریق میکنید آقا؟
هر کسی در این پیکار برنده بشه
دیگری شرمندۀ فواهر شد.



من آدولفو پیرلی هستم.
پادشاه آرایشگرها و آرایشگر پادشاهها



روز به غیر، من آقای سوینی تاد
هستم از خیابان فلیت. بهتر هر از
شارلاتانی که توی این خیابونه صورت
رو میتراشم



حاضر؟



تو یه آدم دیوونه ای!



برنده ی مسابقه: آقای تاد.



حاضر

حاضر



چند دقیقه بعد تاد تراشیدنش تمام میشود.



هنما داره. سلمانی آقای تار در طبقه ی بالای شیرینی فروشی من در خیابان فلیت هست.



تبریک میکم آقای تار. میتونم بپرسم شما مغازه و بایی برای خودتون دارید؟

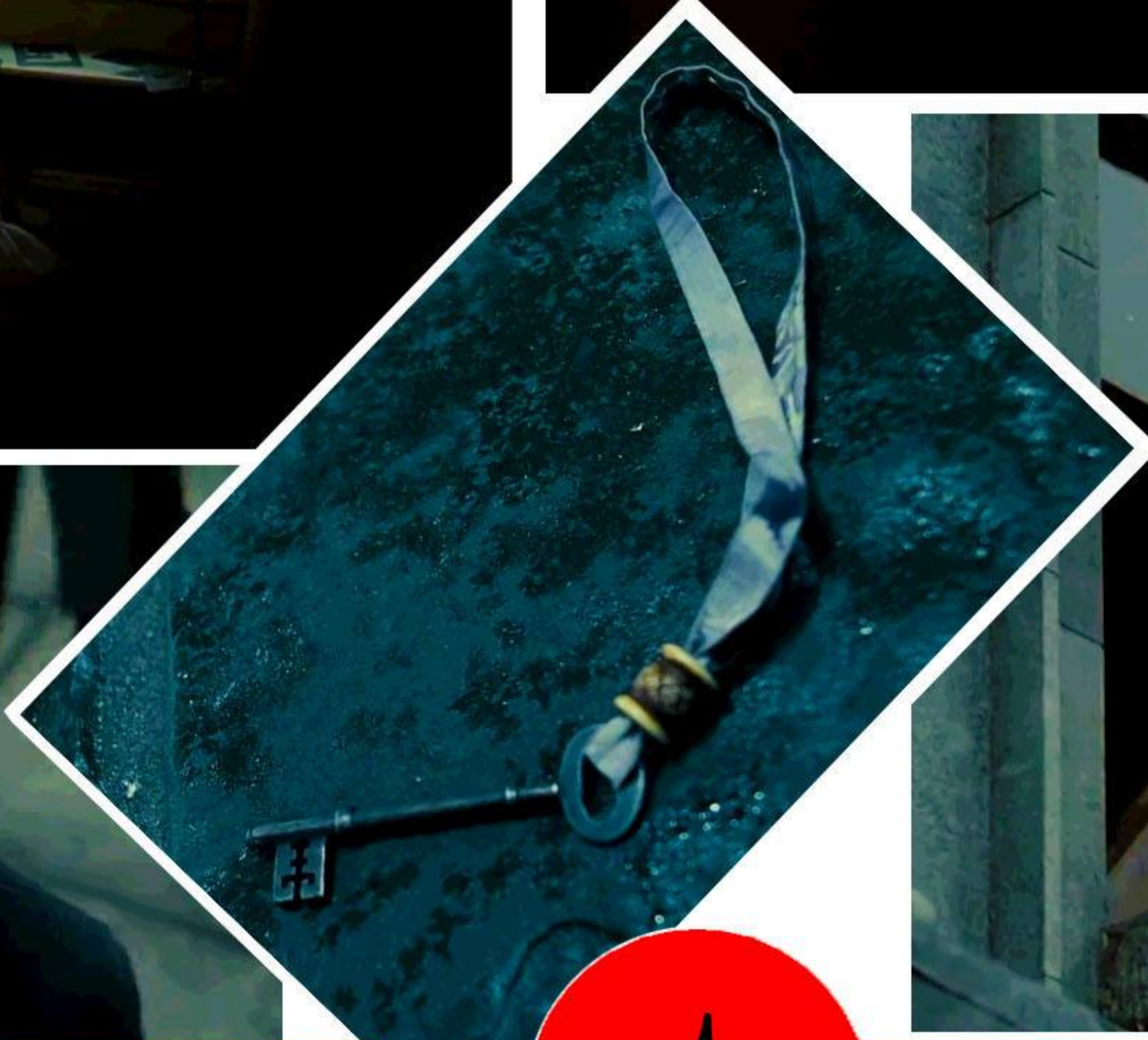


فوشال میشم مامور بامغورر و این رو تضمین میکنم که بدون خرج کردن پول هر موقع که خواستید در خدمت شما هستم.



فیلی ممنون قربان. شما نمونه ی کامل عدالت هستید.

گفتید در خیابان فلیت اقامت دارید؟ پس آقای تار، شما آخر هفته من رو در اونجا ملاقات فواید کرد.



آقای تار یه دفتری به کمک من امتیاج داره
اون خیلی غمگینه اما بسیار زیباست.
اون دفتر توی یک اتاق که درش قفل شده مافظت میشه.
اسمش اینه... جوانا. و قاضی تروپین قیم اونو.
وقتی یه بار اومد به بارگاه میپریم توی فونو و اونرو آزاد میکنم.
ولی من به یه جای مطمئن نیاز دارم.
آکه بتونم فقط برای یک یا دو ساعت اینبا نگهش دارم.
تمام عمر مدیون شما فواهم بود.

فیلم باز!!



بیارش

آقای تار... آقای تار؟



اون رو بیار اینبا عزیزم

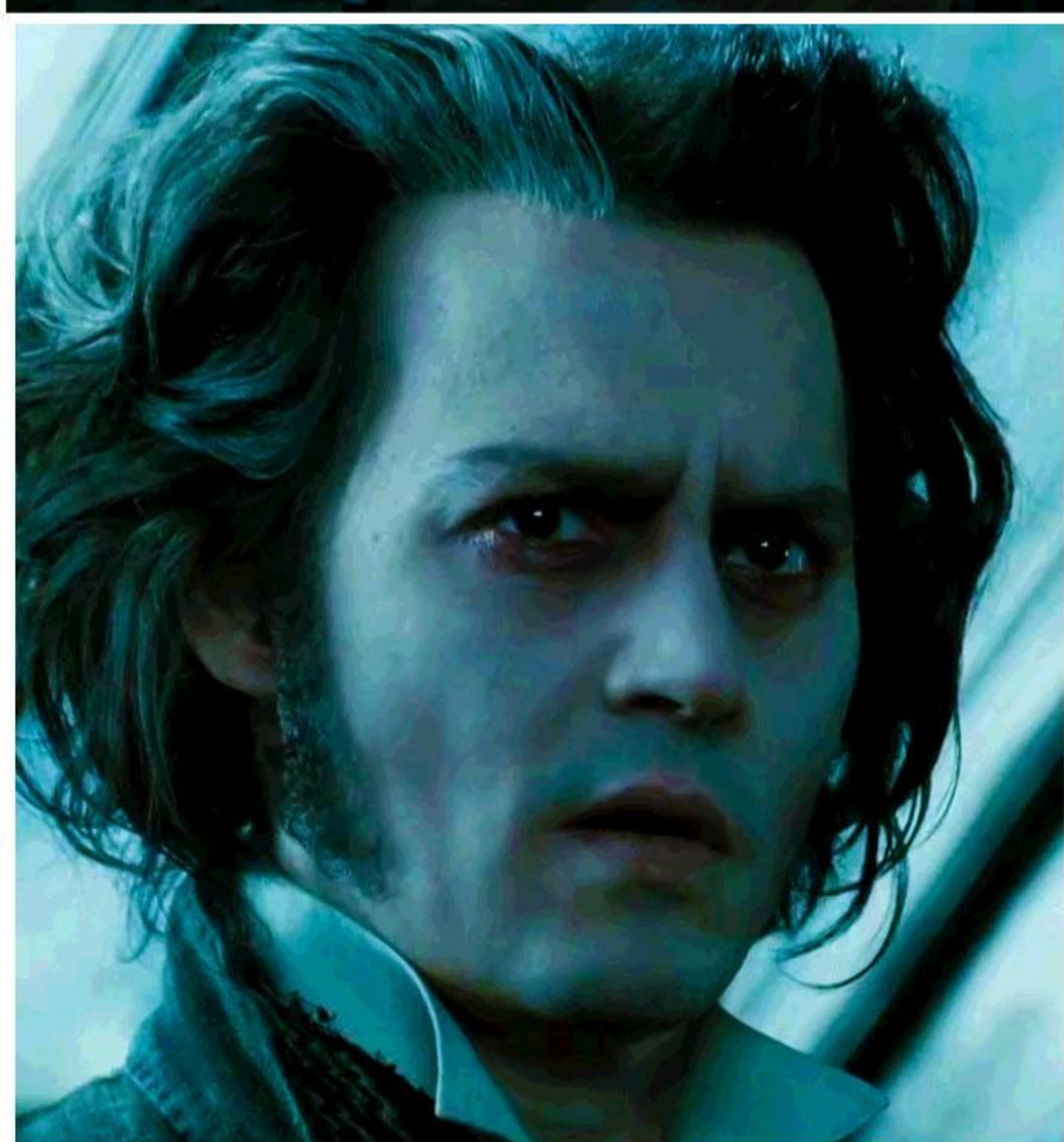


چرا؟

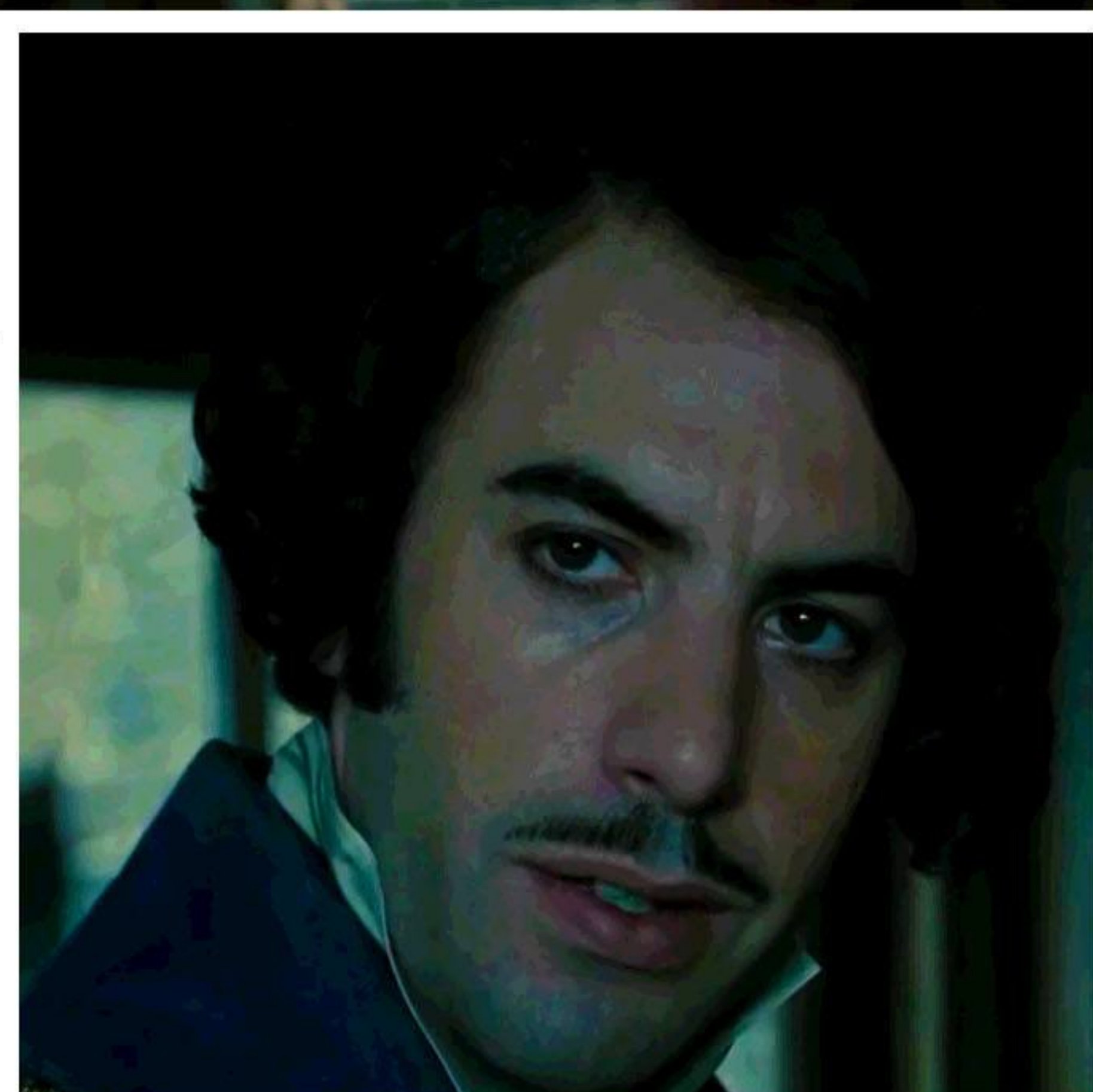
آقای تار من میفوام اون ۵ تا
رو برگردونم آکه یادت بیار.



این یارو اینبا چکار میکنه؟ بچه رو
پایین تکه دار.



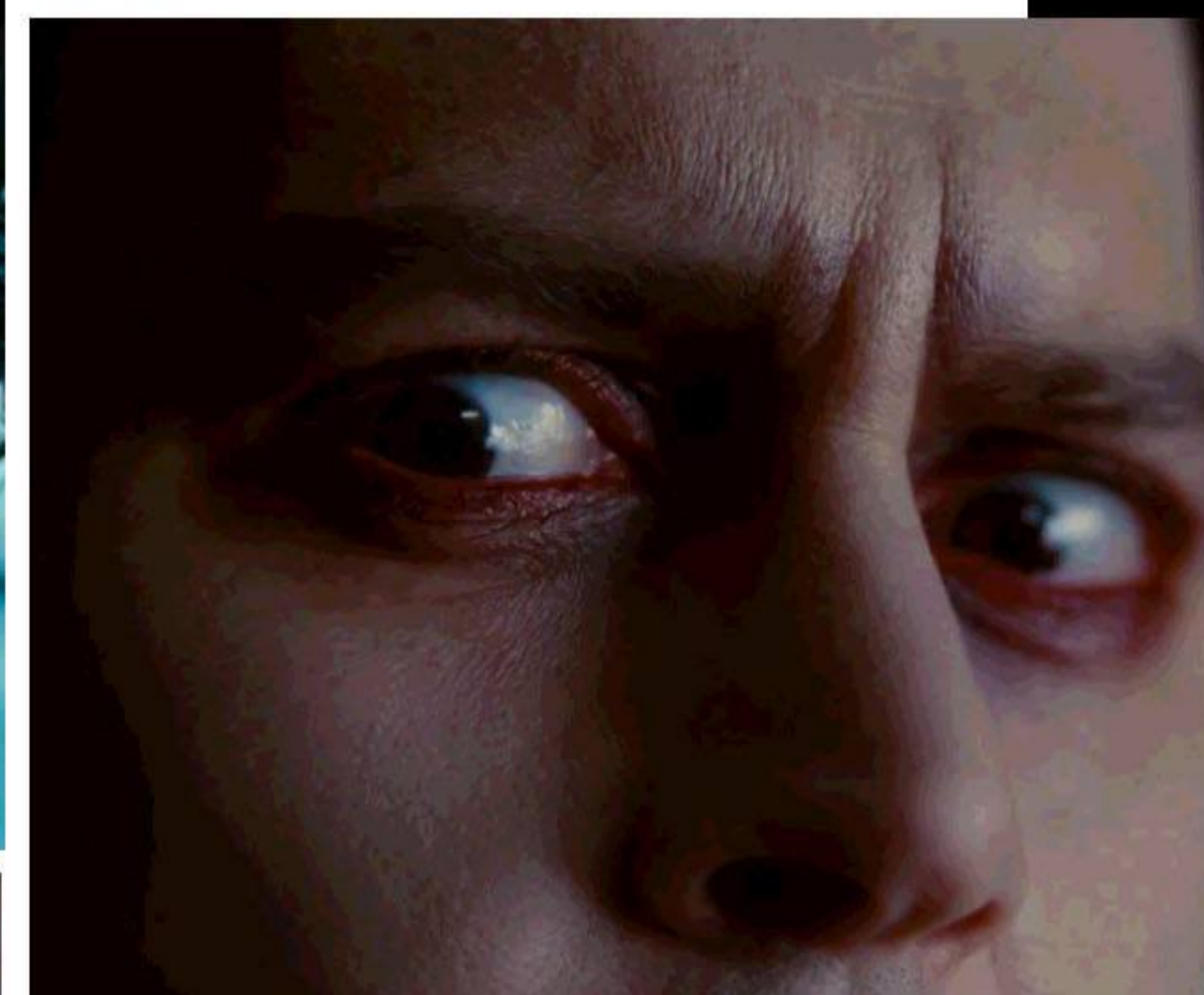
بفاطر اینکه تو ، تو شرط بندی تغلب کردی
دوست من.
و تو باید در آینده یه سری چیزها رو رک و راست تر
بگی
تو باید نصف چیزی که به دست میاری بدی.
نصف به نصف.
آقای بنجامین بارکر!



کی میتونه آقای بارکرو فراموش کنه؟
من اونجا مینشستم و فکر میکردم منم میتونم روزی
آرایشگری یاد بگیرم؟



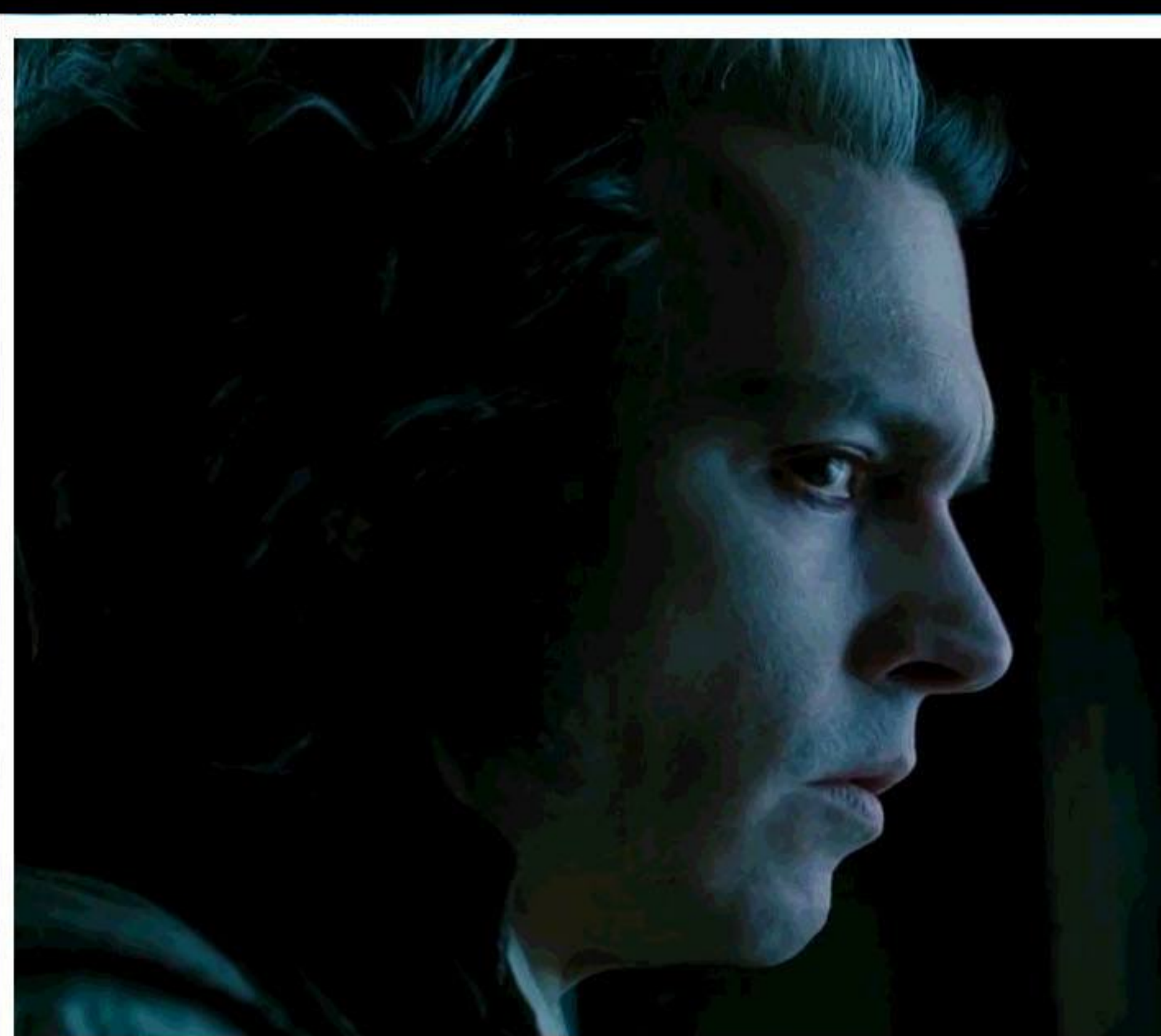
ما معامله ای داریم؟
یا من باید برم به خیابون پیش مامور بامفورد عزیز؟
الان میفویای چی کار کنی، آقای سوینی تاد؟



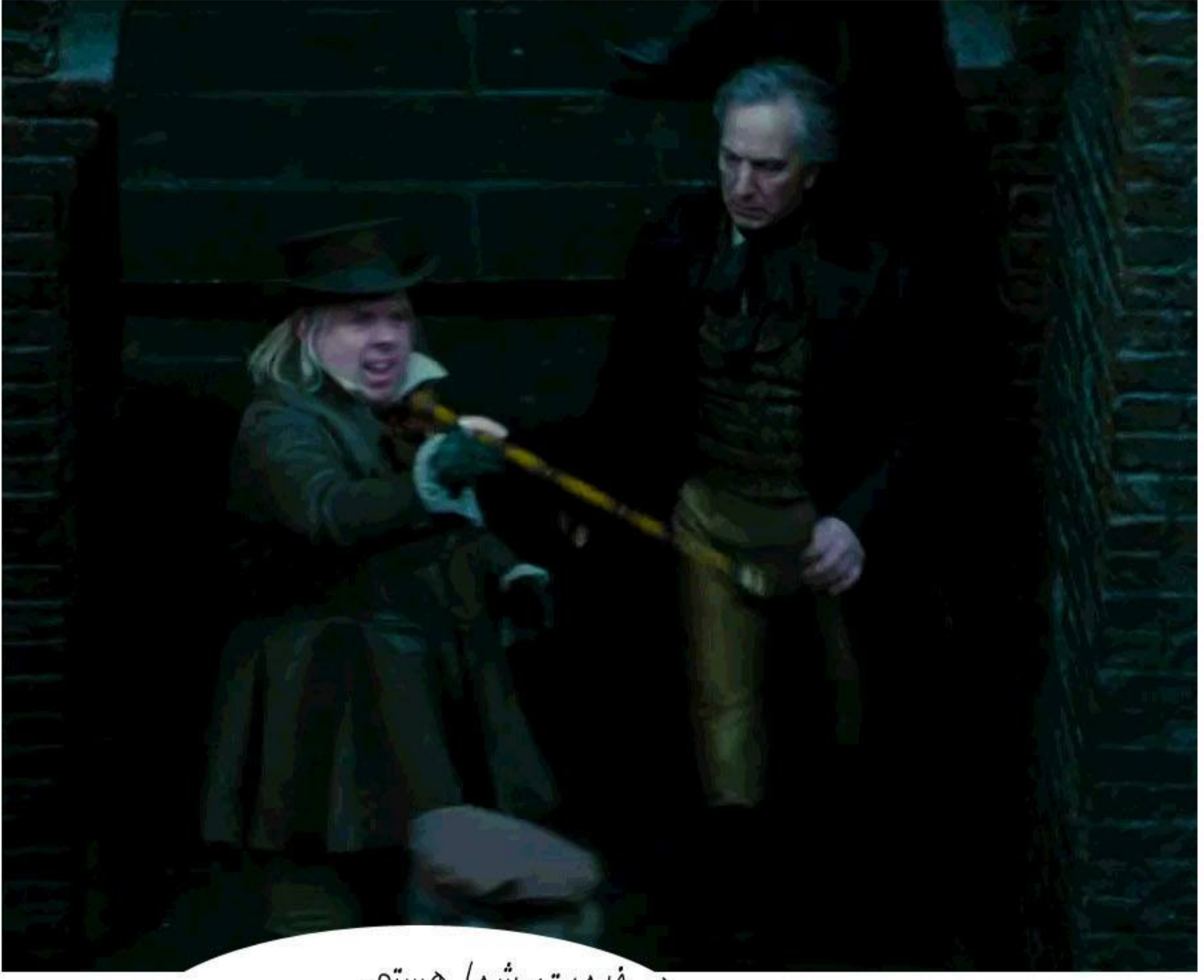
فیلم باز!!!

میفوام با جوانای عزیزم ازدواج کنم. اما به هر حال وقتی بهش هدیه دارم براش بی اهمیت بود.

قربان فانم ها به ته ریش کمی مساس اند. من یه آرایشگر بسیار ماهرو میشناسم که صورت شما رو اصلاح کنه تا اینکه جوانا مقابل شما سر فرود میاره



تازه قاضی؟!... همین امروز میکشمش!!!



میرونی من کی ام؟

کیه که توی دنیای به این بزرگی قاضی تروپین رو نشناسه؟



در خدمت شما هستم. باعث افتخاره که اینبا تشریف آوردید.

آقای تار؟



آقای تار... همه چیز درسته... همین امشب میریم.



تو؟!... به تو اطمینان میرم نه تو و نه هیچ مرد امق دیکه ای دستش به اون نمیرسه.

از دست دردمش. گلوی اون زیر دستم بود... گلوی اون اینجا بود... و اون دیگه برنمیگرده.



اونجا یه جای دست نفورده در دنیاست که شبیه به یه چاله ی بزرگه و جانورانی موزی که توی اون ساکن شدن. اما نه برای مدت طولانی همه اونها سزاوار مردن هستند بفاطر اینکه همه اینها نسل آدم هستند. فانم لاوت ، انسانها دو نوع بیشتر نیستند ، دو نوع: یک عره ای که در جای درست خودشون قرار دارن و یک عره ای که پاروی صورت بقیه میذارن

سعی کن آرام باشی



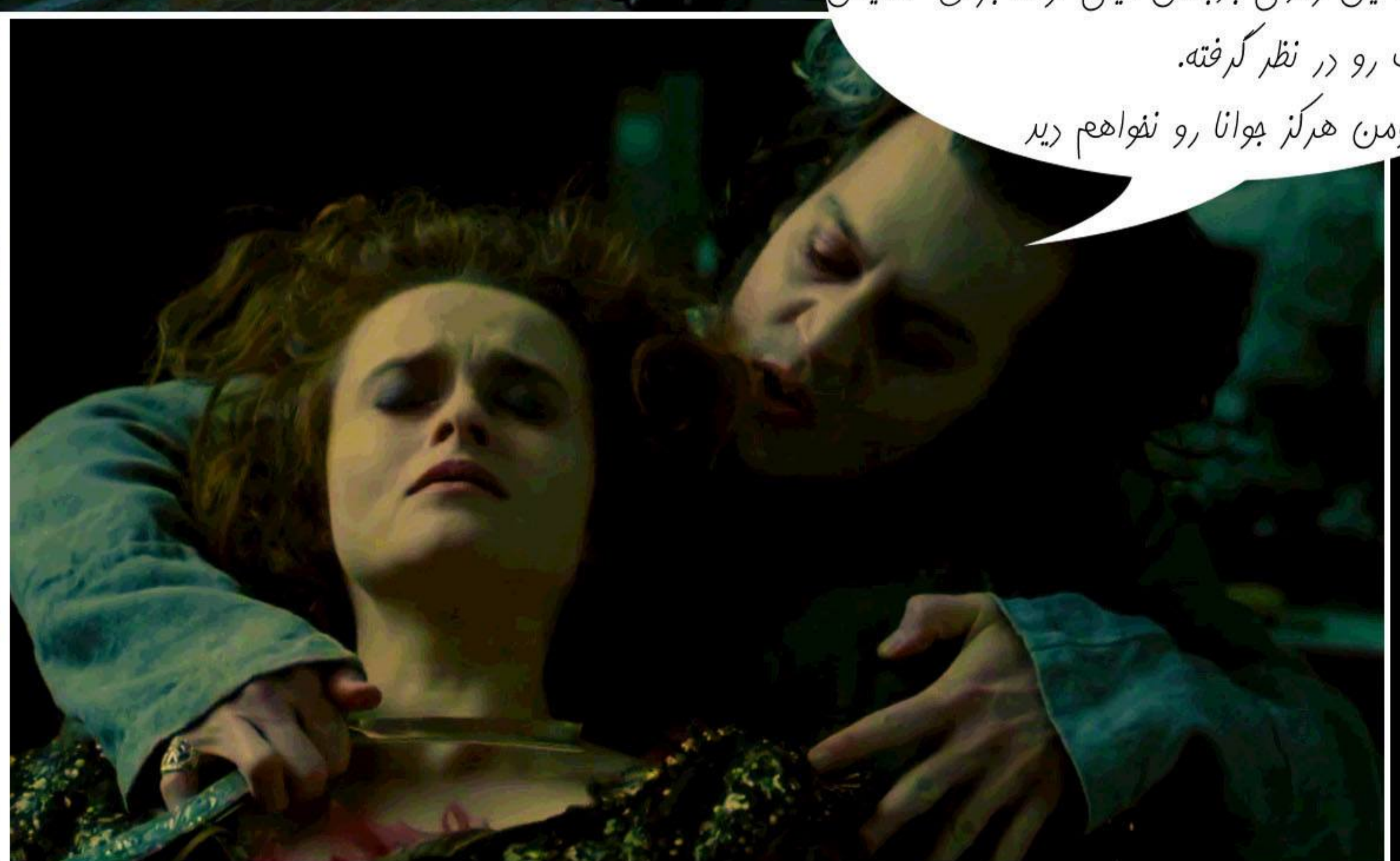
صد تا هم من رو آرام نمیکنه من تو رو میفوام.

و من اونرو به دست میارم حتی با ابراز علاقه و در این بین من با کلههای شرافتمند تمرین فوادم کرد



همه ما سزاوار مردن هستیم. حتی تو...

حتی من... به فاطر اینکه این زندگی بدبختس فیلی کوتاه برای آسایش ما مرگ رو در نظر گرفته. و من هرگز جوانا رو نفوادم دیر



اما کار من صبر کردنه



فیلم باز!!

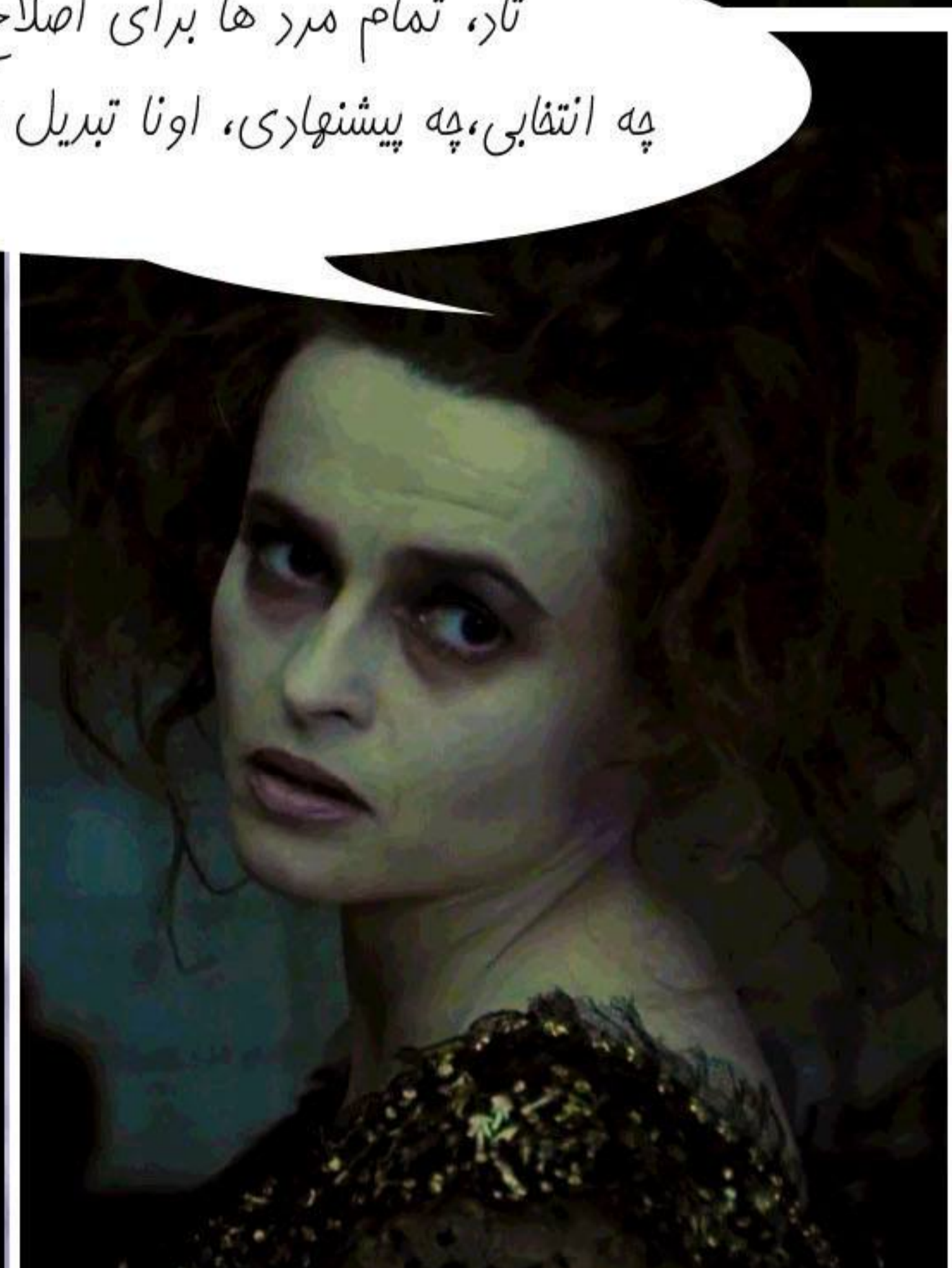


حالا ما یه جنازه اون بالا داریم
میشه بگی با اون میشه چی کار کرد؟

صبر میکنیم ... وقتی تاریک شد
میبریمش به یه جای مفی و فاکش میکنیم

تازه تمام مرد ها برای اصلاح میان اینجا.
چه انتقابی، چه پیشنهادی، اونا تبریل به شیرینی میشن!

من فکر نمیکنم اون دوست و آشنائی
هم داشته باشه که دنبالش بگردن.
ممکنه فعالیت آور به نظر برسه... شاید احمقانه باشه.
شایدیم جالب باشه... منطق مملکی پشتشه.



و من موقعی که قاضی تو «منو» باشه برمیگردم



این چیه؟

این یه کشیشه که با اون هنرمندره مفلوط شده

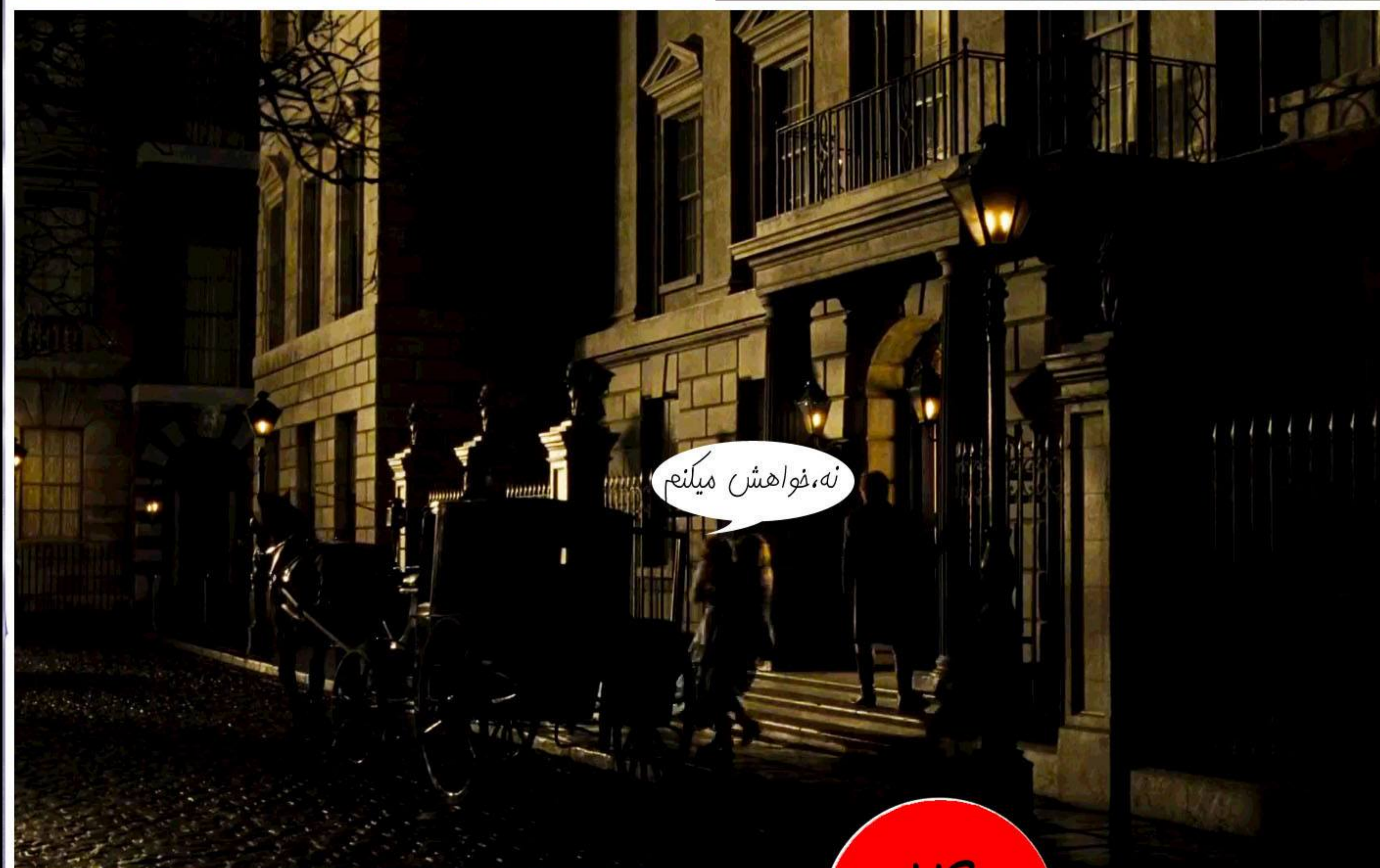
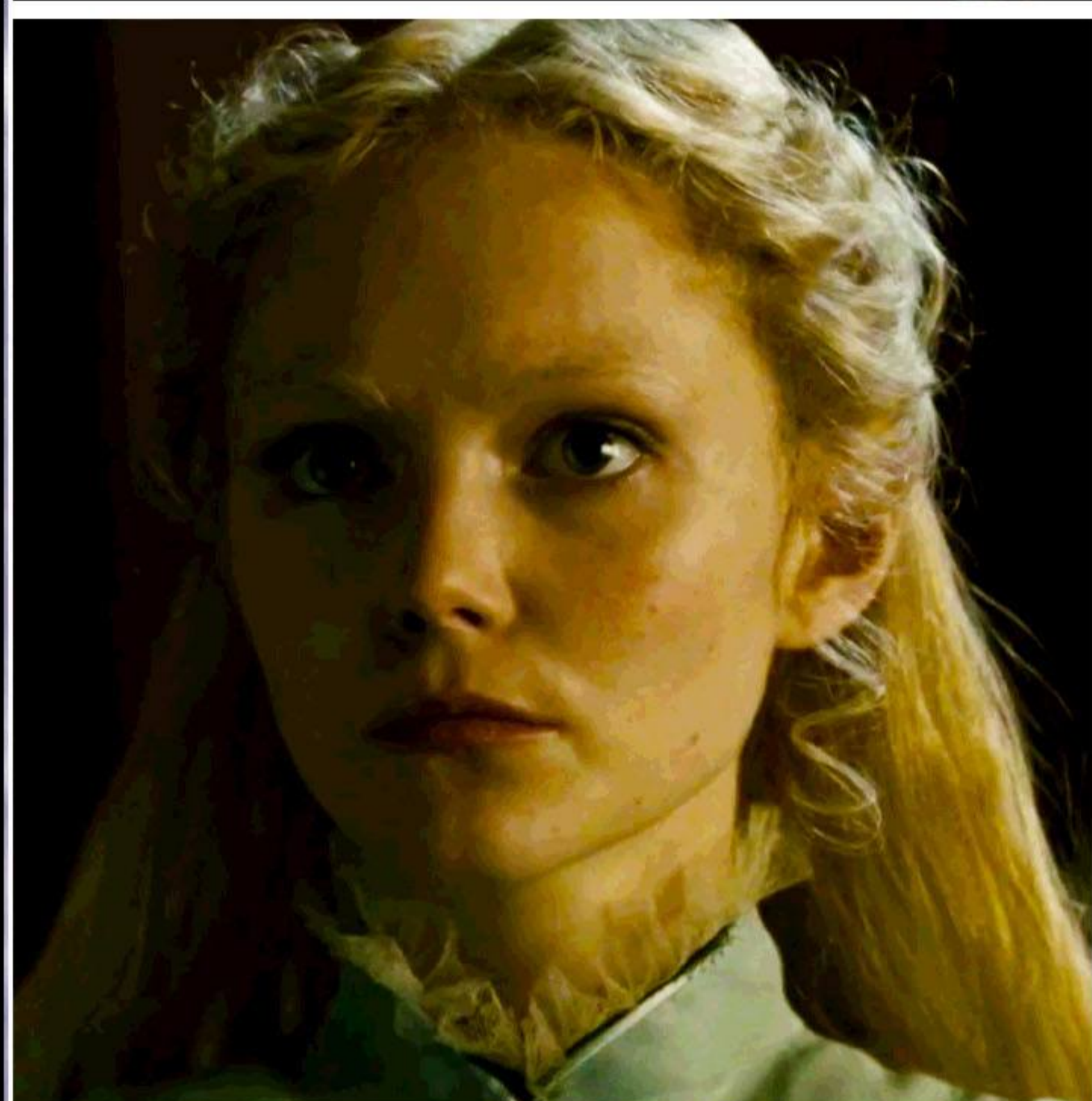
چو انای من به من خیانت نمیکند
قلب منو نمیشکند.

قربان من باید اینبارو ترک کنم.



منم فکر میکنم تنها راه همینه. از اونبائی که میروم
طولی نمیکشه بفهمی من و اطرافیانم بچدر به تو علاقه داشتیم،
بایستی برای تو مسکن بریدی تهیه کنیم.
تا همین الان هم فیلی تممل کردیم.

و سپاسگزارم بچه جون، که قلب منو شکستی... وقتی فهمیدی پی رو از دست داری
اونوقت ما باید همدیگر رو ببینیم... تو اون موقع به گناهانت فکر کن.



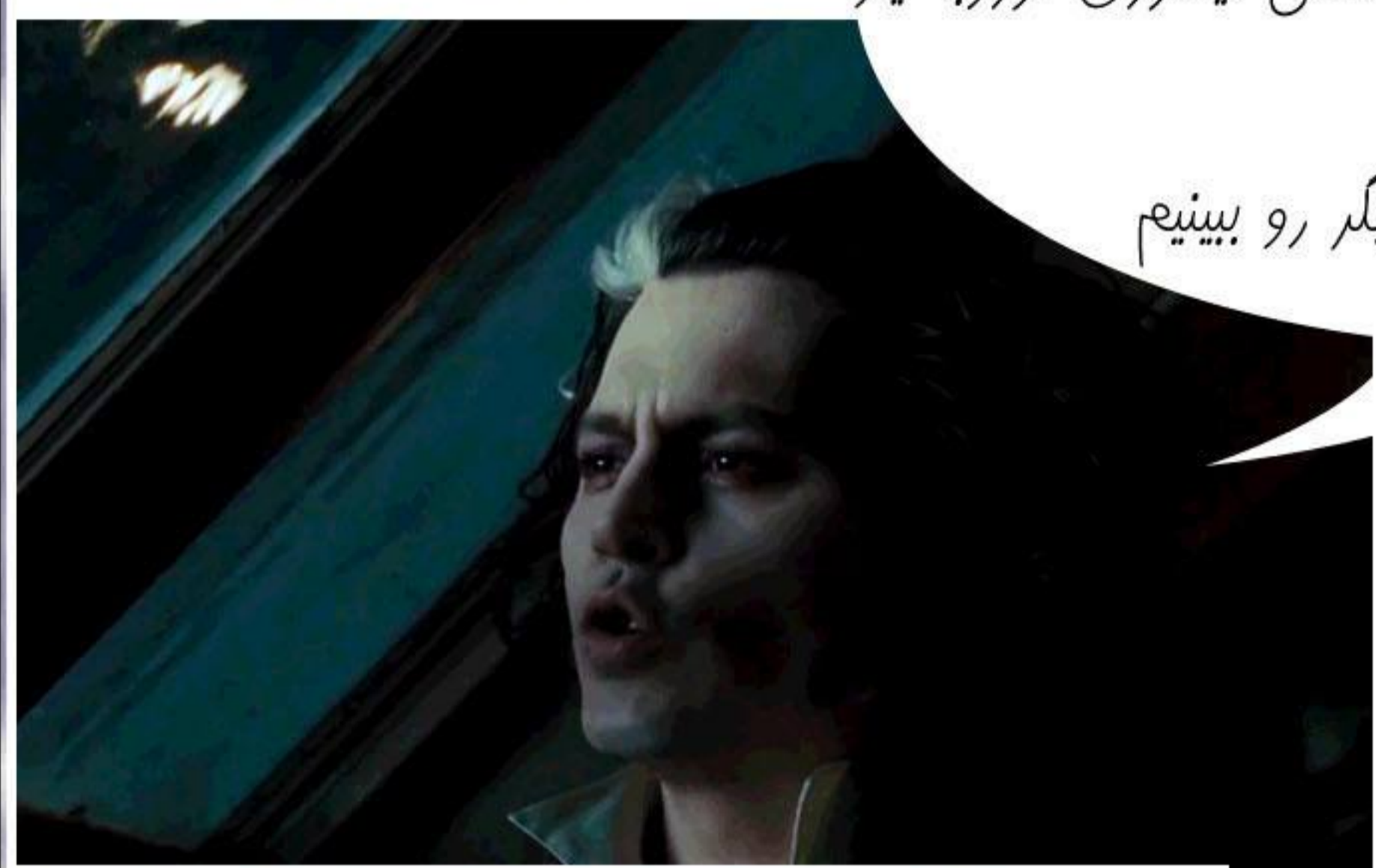
نه، فواشش میکنم.





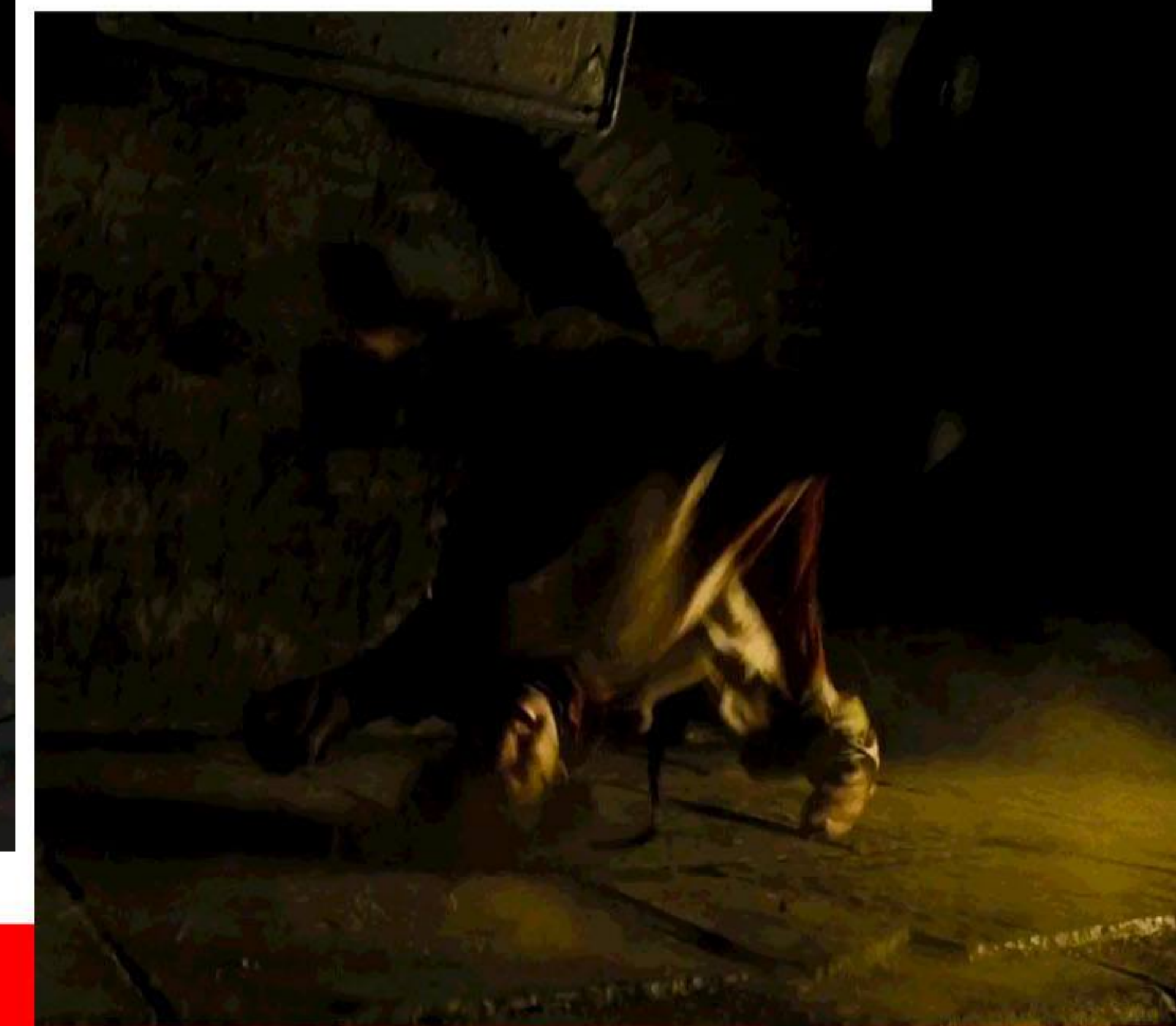
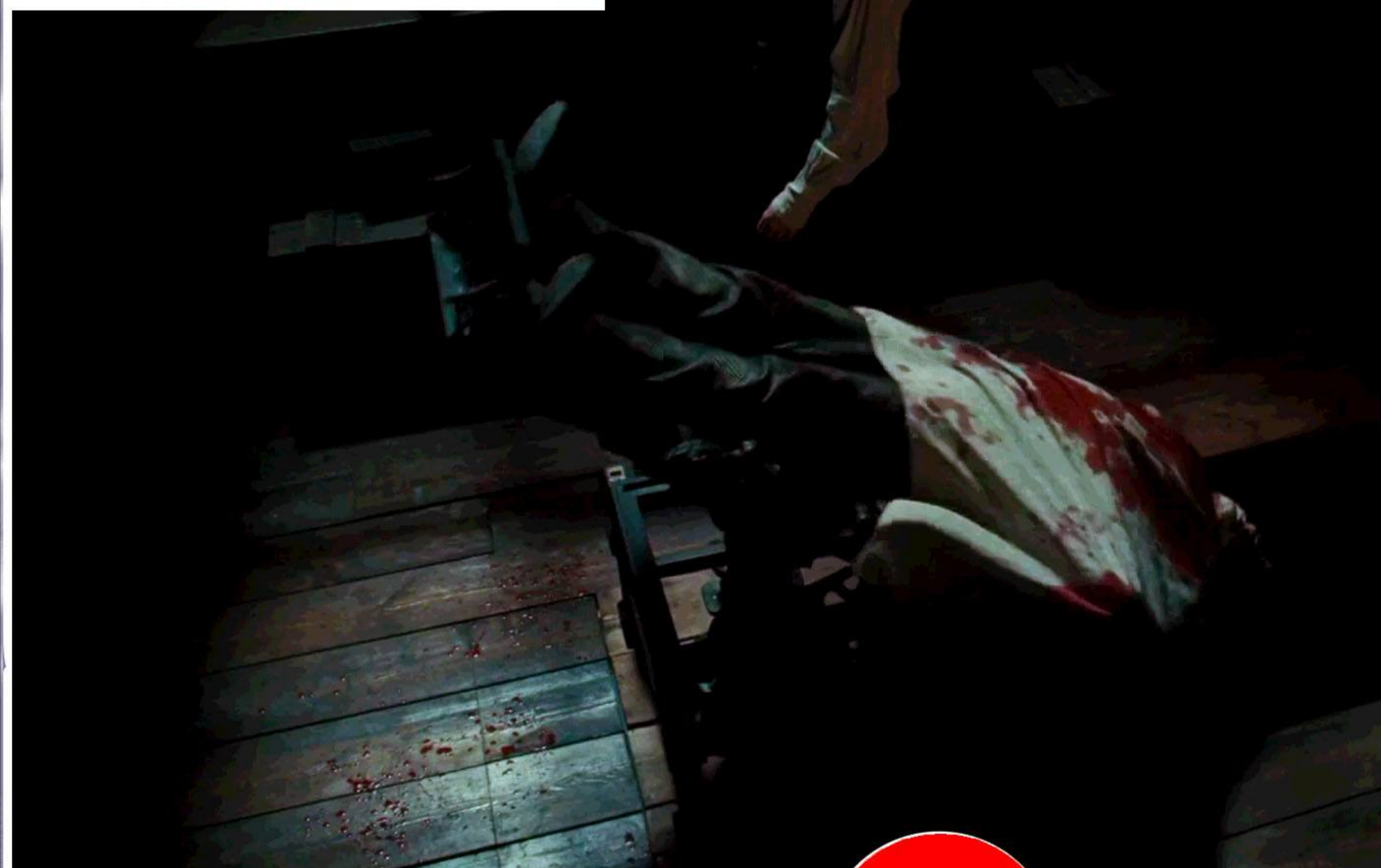
چوانا ، من تو رو احساس میکنم.

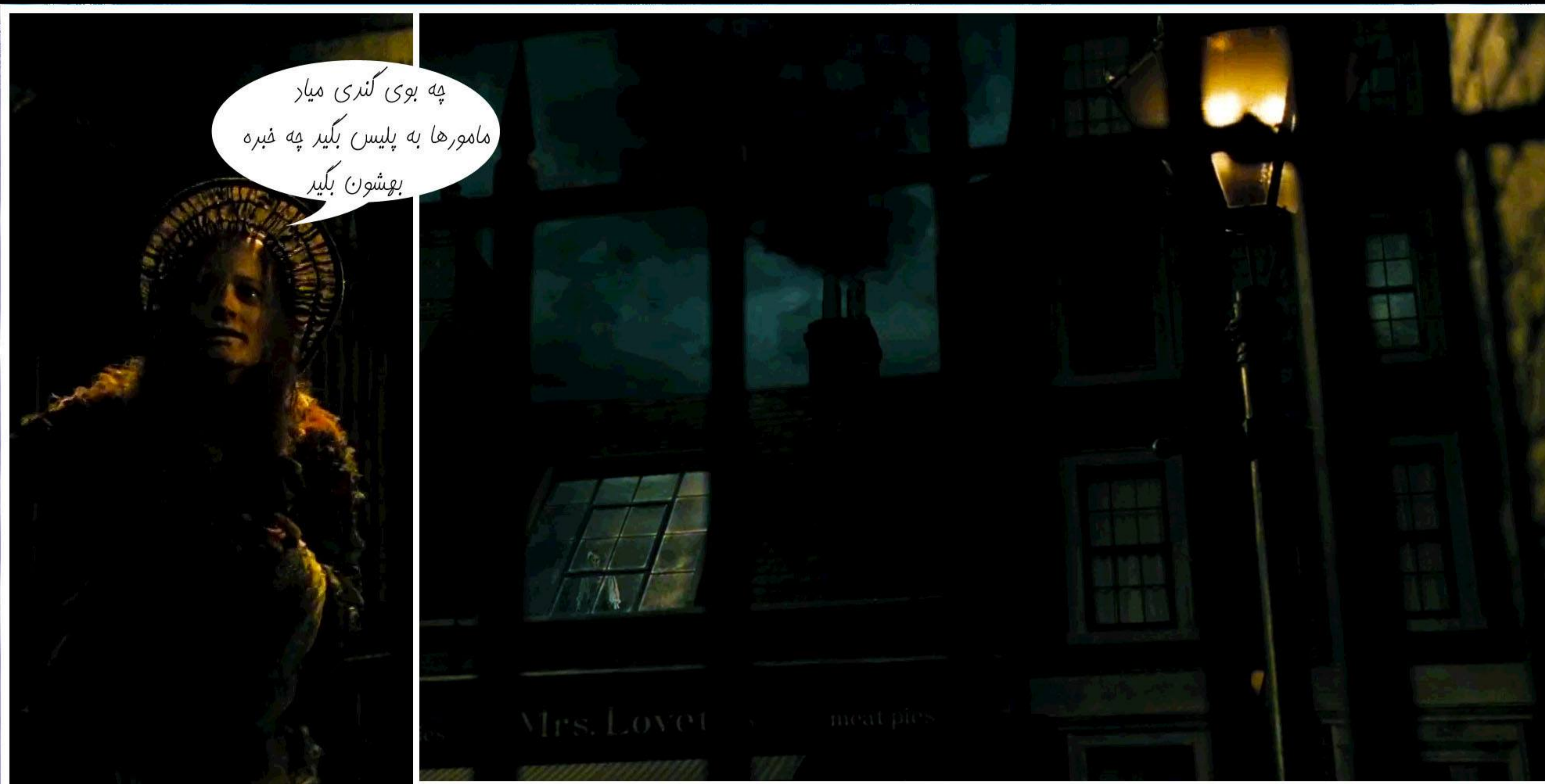
و تو زیبایی ، اطافه شری با موهائی طلائی
طلائی شبیه کندم.
تو زیبایی ، اطافه شری با موهائی طلائی اینطوری تورو به یار
میارم چوانا.
من فکر میکنم ما نباید باز همدیگر رو ببینیم



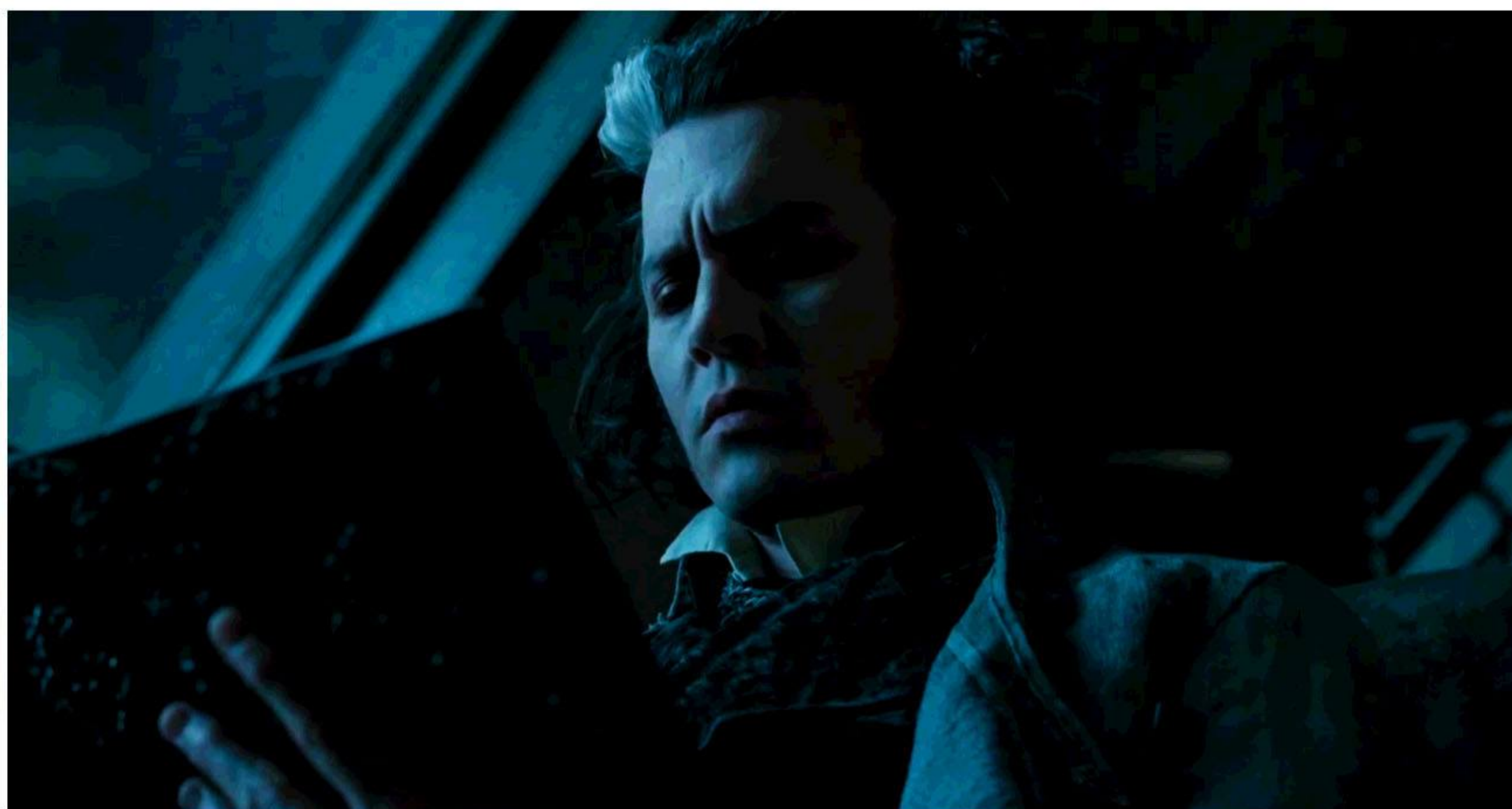
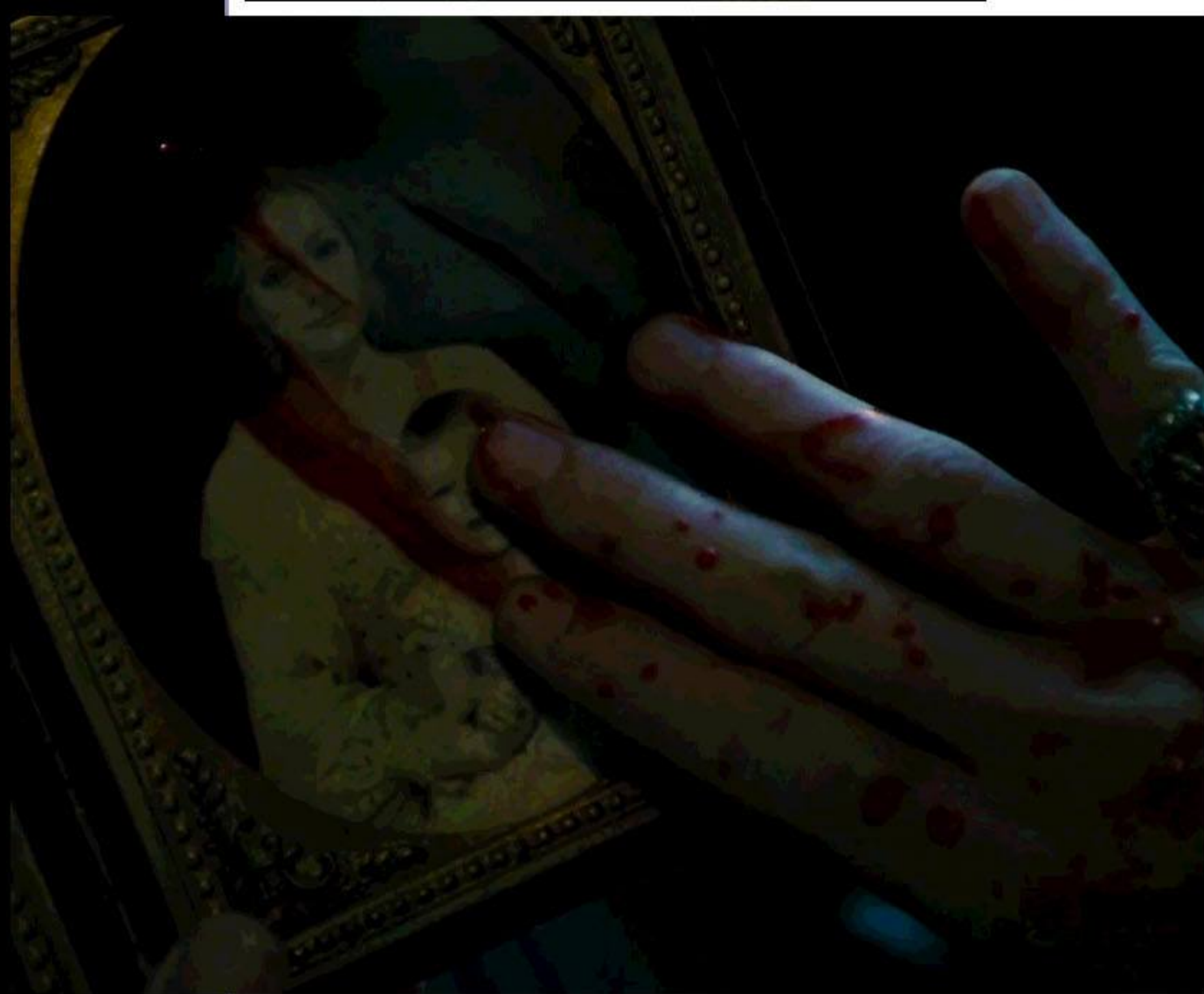
اونها فکر میکنند ، دیوارها میتونن
تورو پنهان کنند.

من فکر میکنم ما نباید باز همدیگر رو ببینیم
پرنده کوچیک من ... نازنین من
خدا حافظ چوانا...توفواهی رفت اما در
یارم فواهی ماند



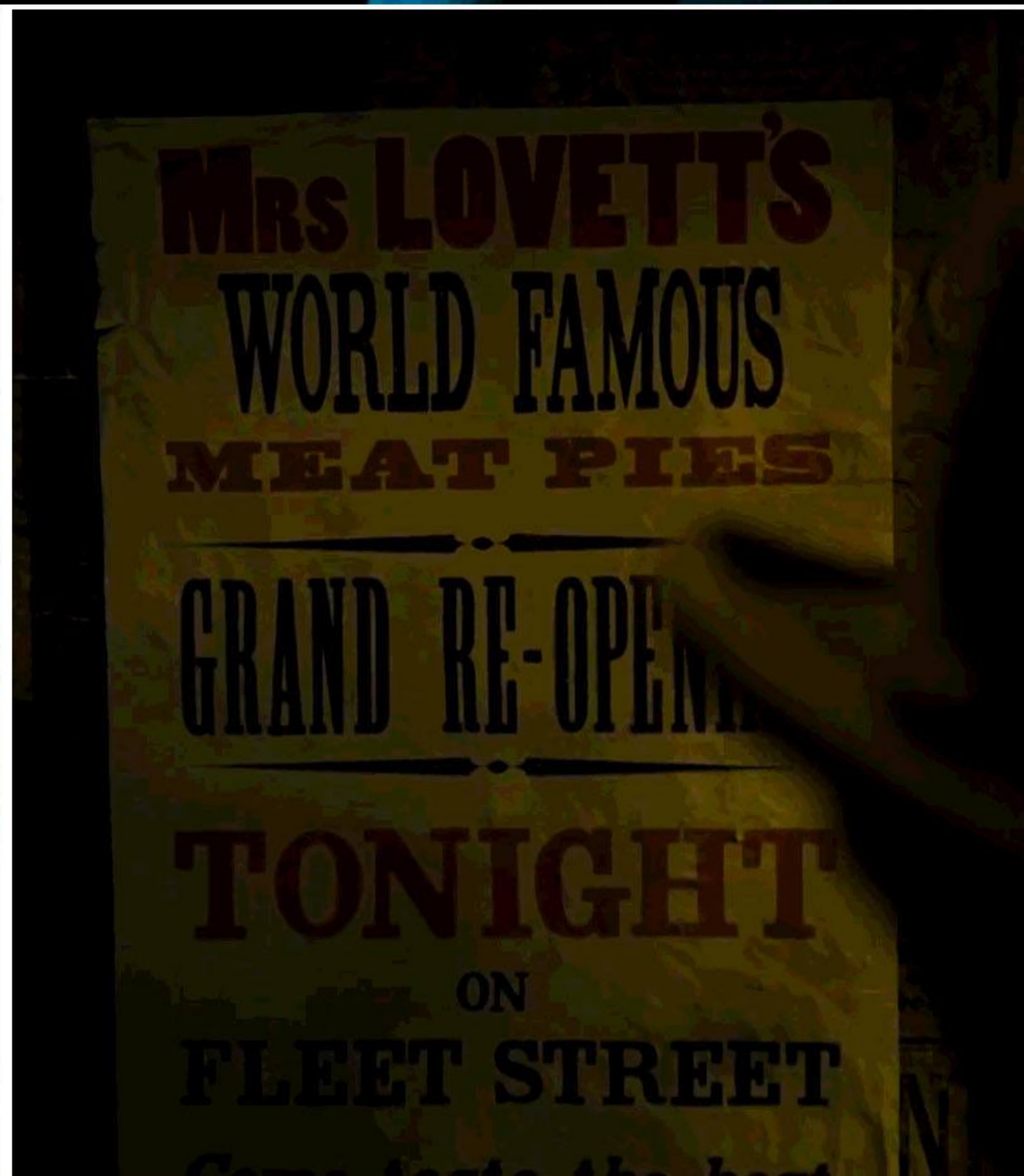


چه بوی کنری میار
مامورها به پلیس بکیر چه خبره
بهشون بکیر



فانمها و آقایان فوازش میکنم
به من توجه کنید.
بوی خوبی احساس نمیکنید؟
بوی بسیار ظریف، لیز و هوس انگیز؟

بله، دسته من بهتون میگویم
با هیچ چشمه پراطوتی قابل مقایسه نیست
این خوراک مست کننده در میان شماست
البته تا موقعی که داخل نشیدنمیتونن جازه ی
این فروشگاهو تصور کنید.



آقای «تی» میتونم یه سوال ازت بپرسم؟
 لوسی تو شبیه چی بود؟ میتونی به یاد بیاری؟
 همه اینها رو باید فراموش کنی... خودت هم اینو میرونی... اون مرده
 زندگی برای زنده هاست ، عزیزم... ما میتونیم یه زندگی داشته باشیم
 نه اون چیزی که دقیقا من میخوام... شاید نه اون چیزی که تو به یاد داری
 اما ما میتونیم اونرو درست بیاریم



اون موهای طلایی داشت



کجا میتونی یه کی رو پیدا کنی که کلاه کیس درست کنه ؟
 تیمارستان!
 ما موهای اون دیوانه رو از تو تیمارستان میاریم بیرون ما باید تورو
 یه شاگرد کلاه کیس ساز با بزنیم
 اونطوری تو میتونی وارد بشی و اونو به دست بیاری
 زود باش... پرو...

آقای تاد، خانم لوت...
 اون جوانا رو برده به دیوونه خونه



اینو بگیر بره به قاضی تروپین... فقط به خودش تمویل بره.



چه بوی گندی میار اینطور نیست؟

مهرای فاضلاب رو نمیبینی از این پائین
رد شده؟
بوی کنزش میزنه بالا همیشه چند تا موش
هم اینجا هست.



خب، این کوره ی پخته سه تا دوازده تا
حرارت در این زمان داره.
بعتره که همیشه درش بسته باشه مثل الان



هر چند تا که دوست داری پسرم.



میتونم آله فواستم شیرینی هم بفورم؟



اینم که آسیابه
گوشت رو میندازی توش تا خوب
پرخ بشه و بیار بیرون



بلوندها رو اینجا نکه میداریم
شما میخواستید مو طلائی ها رو ببینید درسته؟

درسته



اونی که تو موهاش مثله سایه میمونه رو میخوام



قب، از کجا باید ببرم؟

هیچی نکو آقای فاک. شاید آخرین معرفت بشه.
حالا ما این جای فوب و بپه هاتو ترک میکنیم.



فیلم باز!!!

پند تا شکایت شده بابت بوی بدی که از دورکش شما میار. اونها میگن بعضی شبا شما یه چیزهائی میسوزونید. از طرف اداره بهداشت و پلیس مرکزی رفاه و طبیعت ماموریت دارم. متاسفم اما باید یه نگاهی به محل پفت و پزتون بندازم.

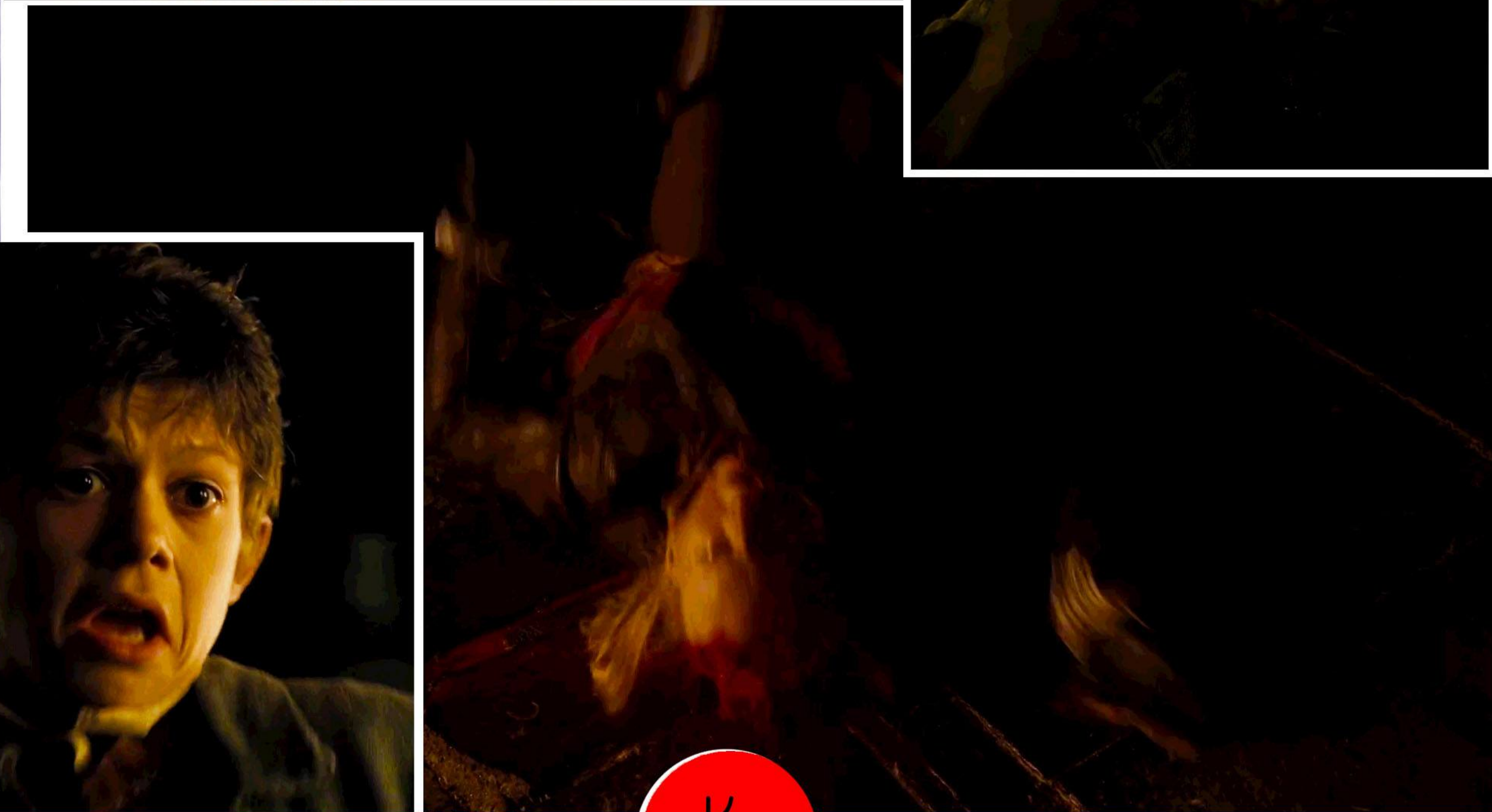


من در رو روشن قفل کردم اما از دست قانون بطور فدرالکتیم؟



البته قربان! اما اول چرا بالا نمیار تا من شما رو همراهی کنم؟

اتفاقا صورتم به یه حال اساسی نیاز داره



تویی! کجایی عشق من؟

فیلم باز!!



تا وقتی من اینجام کسی نمیتونه به تو آسیب بزنه.



تو همیشه منتظر بمون. من نیم ساعت دیگه با کالسه برمیگردم... ناراحت نباش... هیپکس اینظوری تورو نمیشناسه.
بات اینجا امنه.

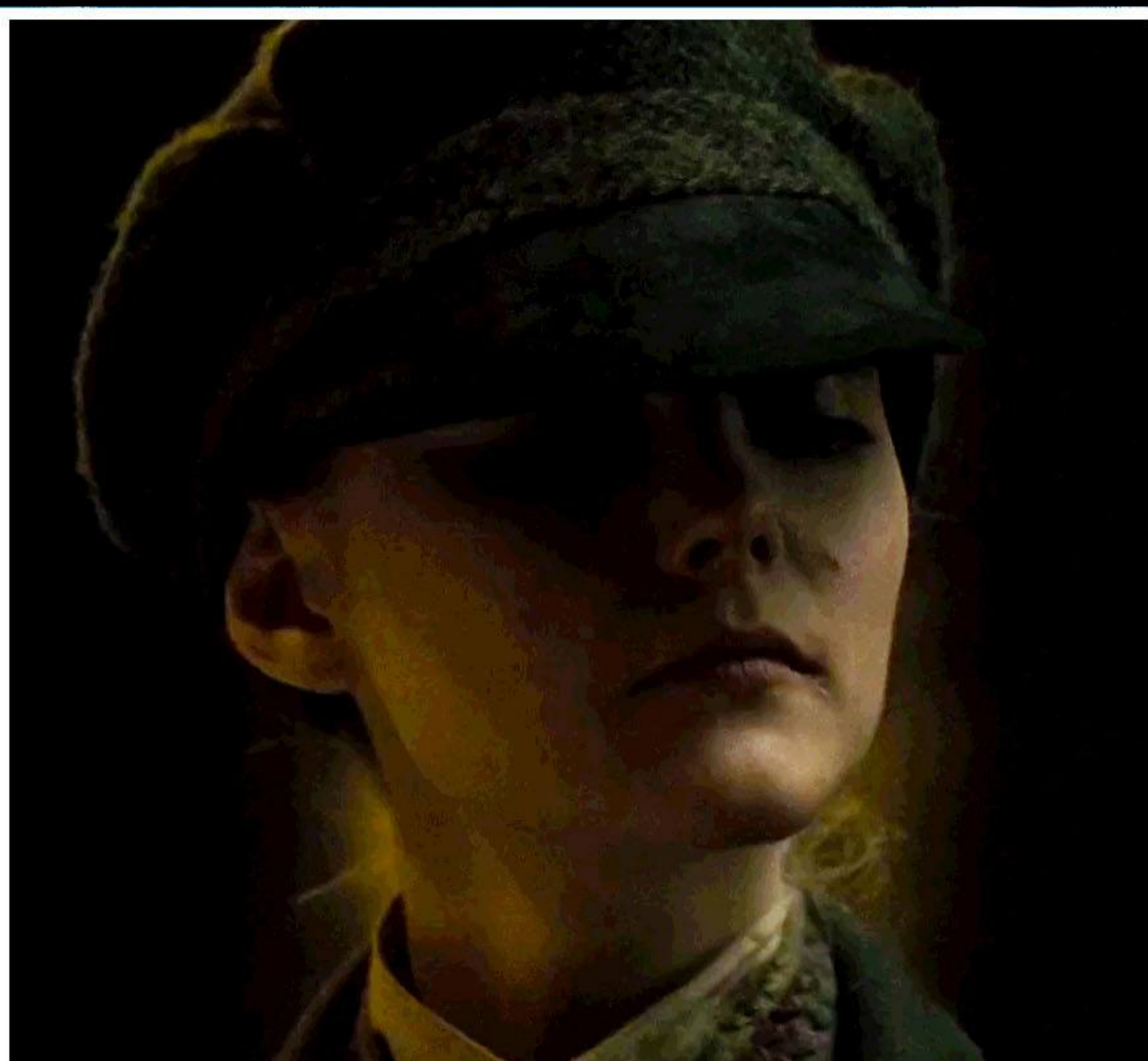


خب ما میریم و تو فکر میکنی به رویاهامون میرسیم؟



من هیچ وقت رویا نداشتم...
همش کابوس بوده

امیدوارم



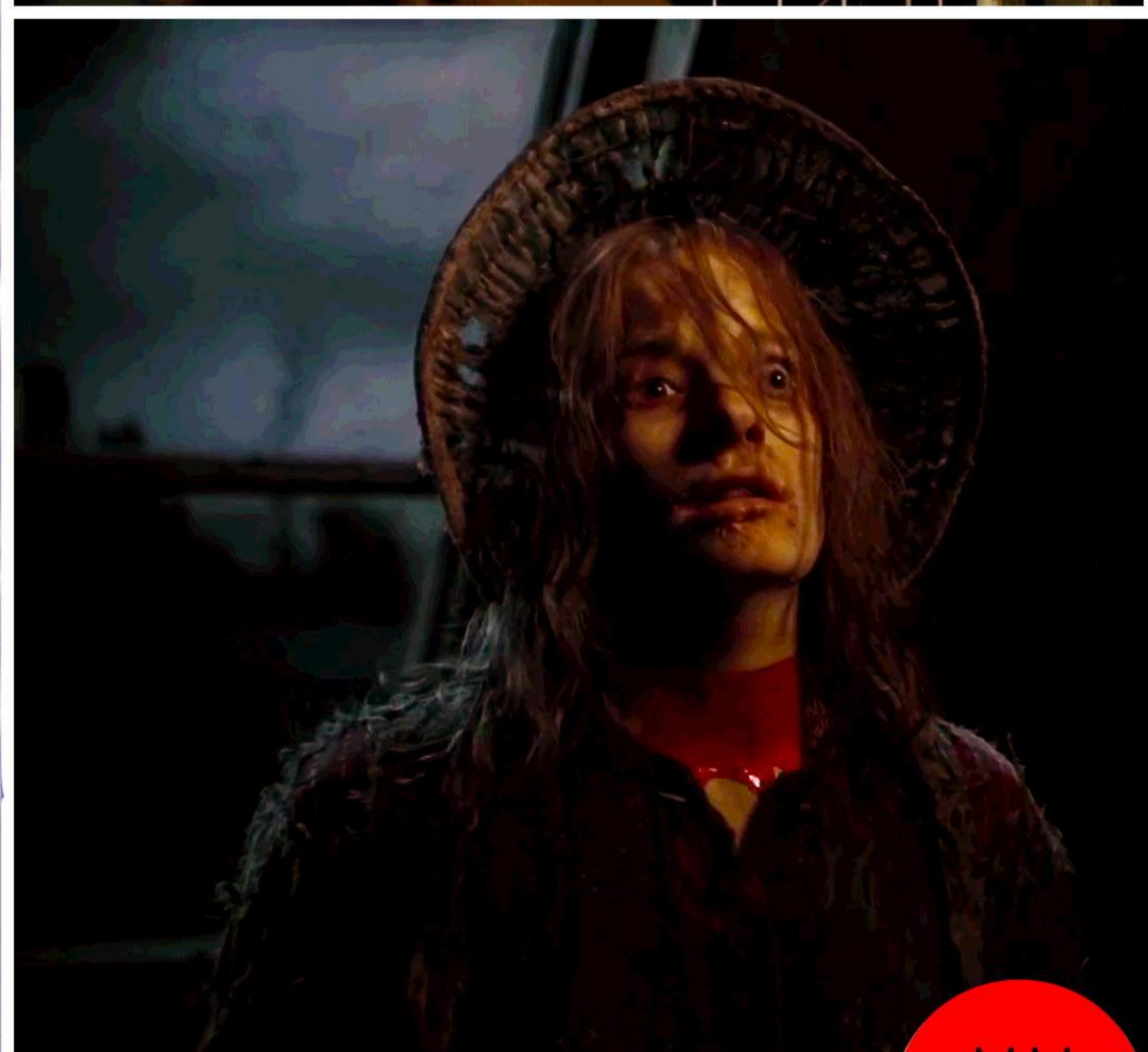
تو کی هستی؟... اینها چکار میکنی؟



پلیس... پلیس...



هی... من شما رو جایی ندیدم آقا؟



آقای تار

فیلم باز!!!

اون پائینه قربان ... همسایه ما باهاشه
به زودی میاد اینجا
نظرت راجع به اصلاح چیه؟



اون کجاست؟

این که سالها نتونست من رو تغییر بده قربان.
اما شب منم میروم صورت یک آرایشگر که زنرانی و مکوم
شده بود، فاطمه چندان بخصوصی برای شما نیست.



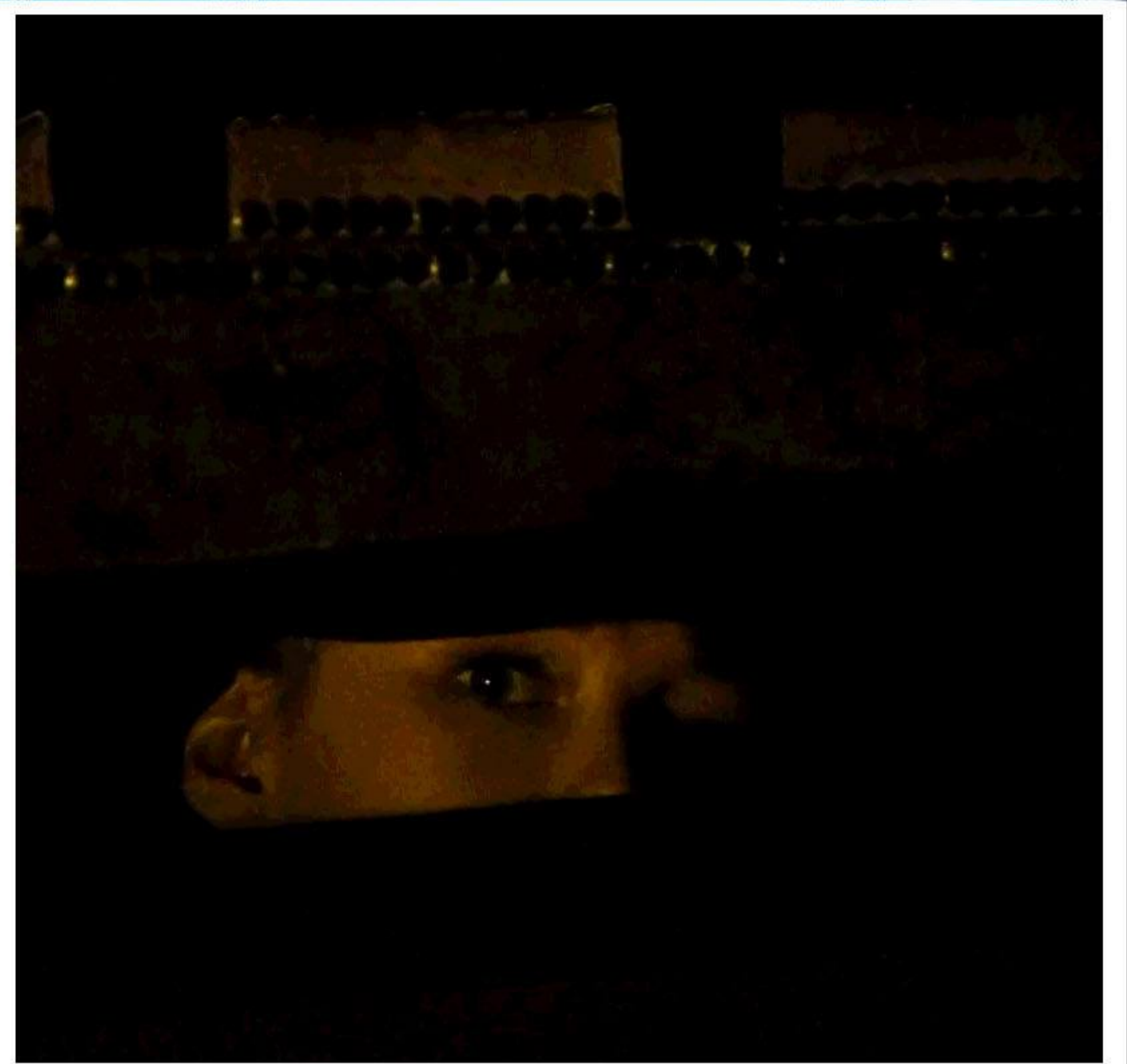
اون چیه؟

بنجامین بارکر؟!



بنجامین بارکر؛ حالا استراحت کن دوست من





نه... من...



برای اصلاح اومدی، پسرک؟



همه به یه اصلاح خوب نیاز دارن

کمک... کمک



صورت من رو فراموش کن.



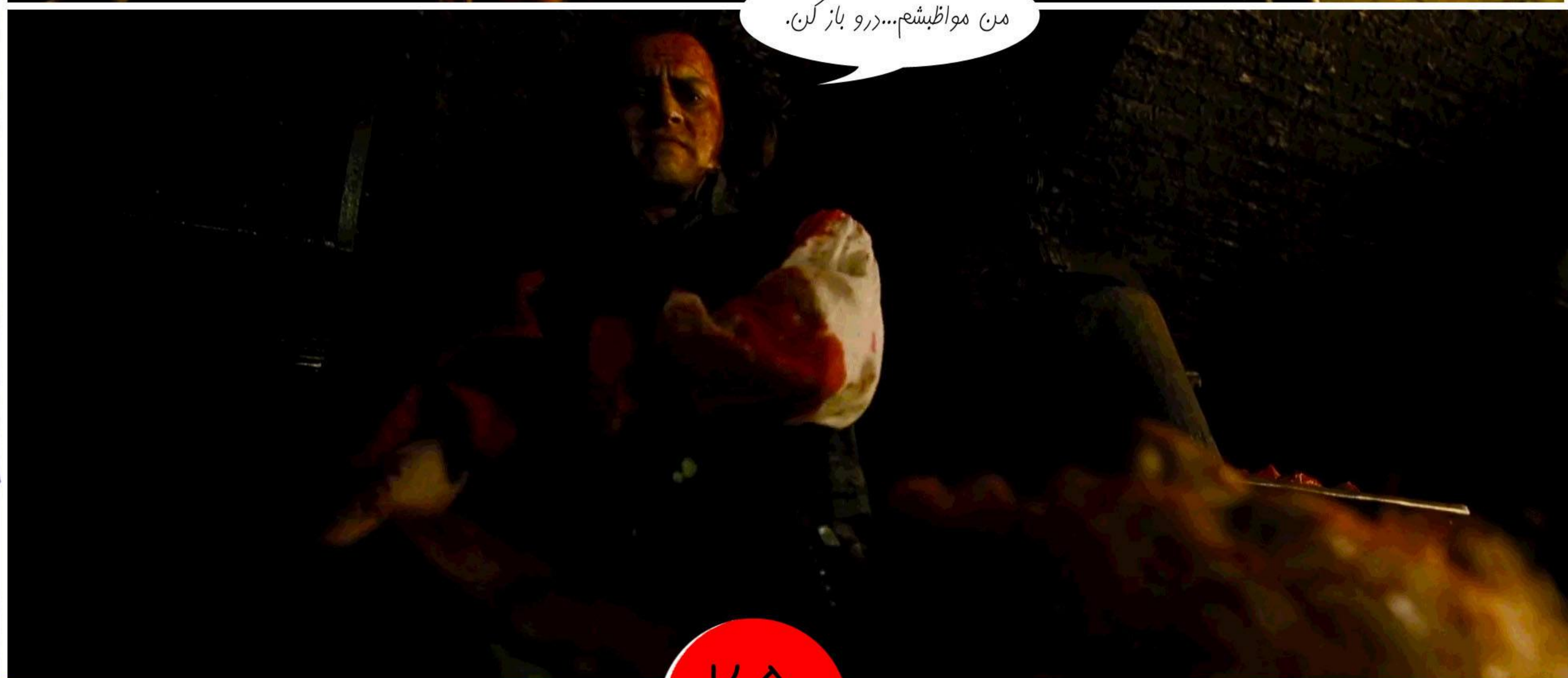
بمیر... بمیر... بهشت فوش بگزره...



اون چنگ زد به من
دامنم رو گرفت اما دیگه مرده



چی شده؟ چرا بیغ میزنی؟



من مواظبشم... درو باز کن.



من فقط به تو فکر میکردم.



اون گفت: من شمارو جایی ندیدم؟
تو میروستی اون زنده س...



تو به من دروغ گفتی.

همه میگفتن اون مرده.
بیپاره .. اون زنده بود
اما عقلش رو از دست داده بود



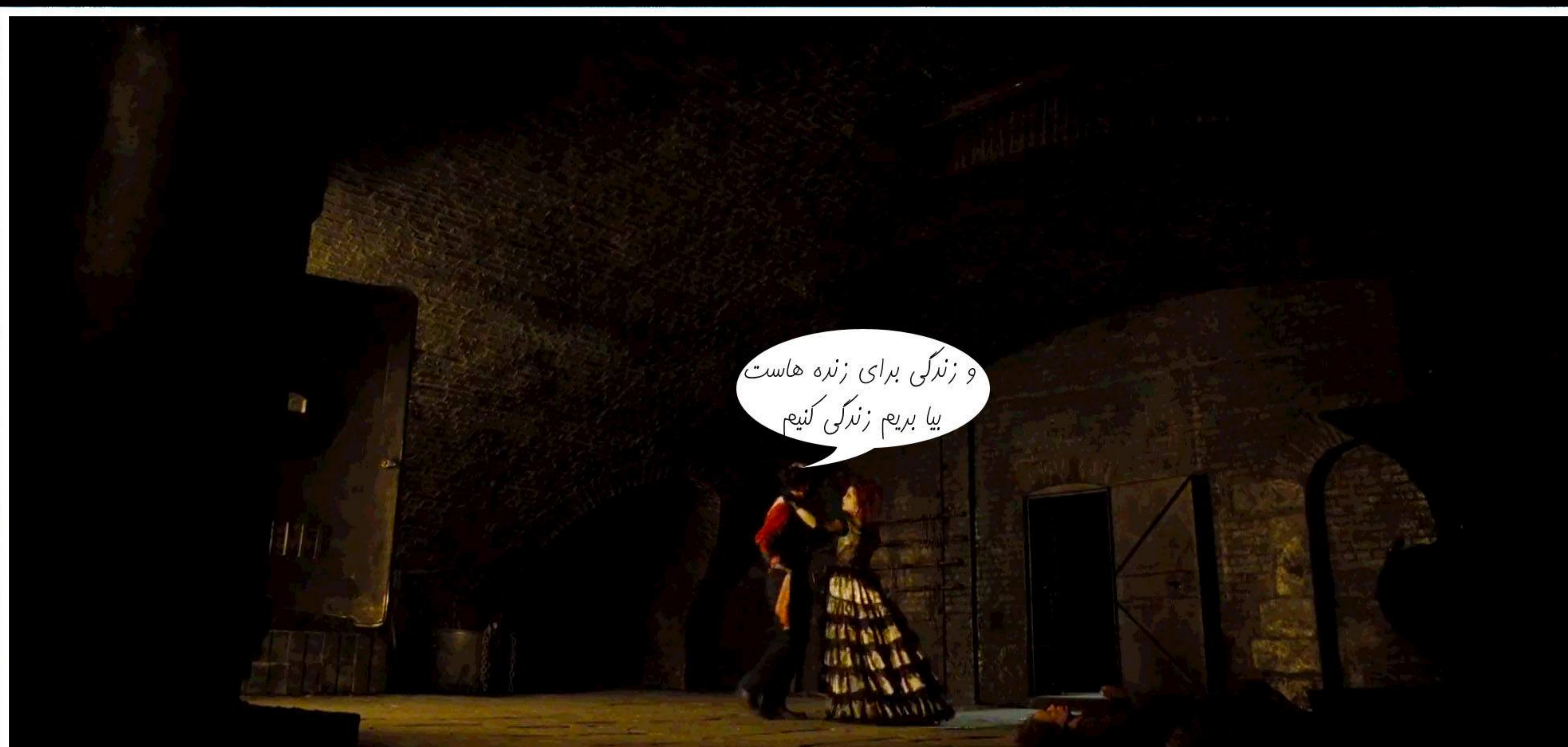
برای تو بهتر بود که فکر کنی مرده
اوه فدای من ... آره من دروغ گفتم ...
چون دوست داشتم.
من میخواستم زنت بشم...دوست دارم



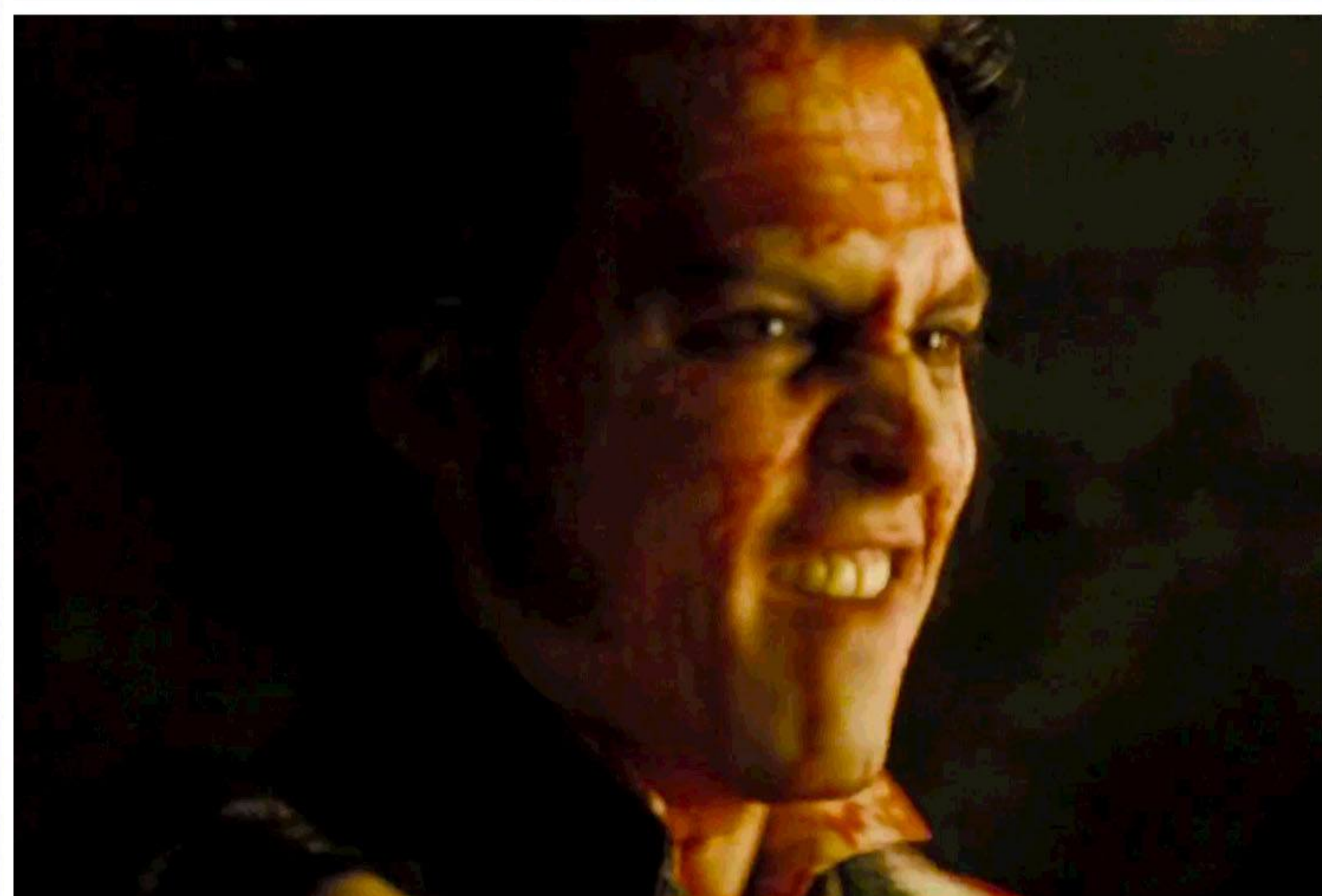
بهترینها برای توست باور کن
چی مرده ... اون مرده ! ما میتونیم هنوز
هم مزدوج بمونیم



فانم لوت .. تو یه اعجوبه خونفشاری
واقعا متبصری و هنوز هم فوق العاده
بیا اینجا عشق من...اصلا جای ترس
نیست عزیزم



و زندگی برای زنده هاست
بیا بریم زندگی کنیم

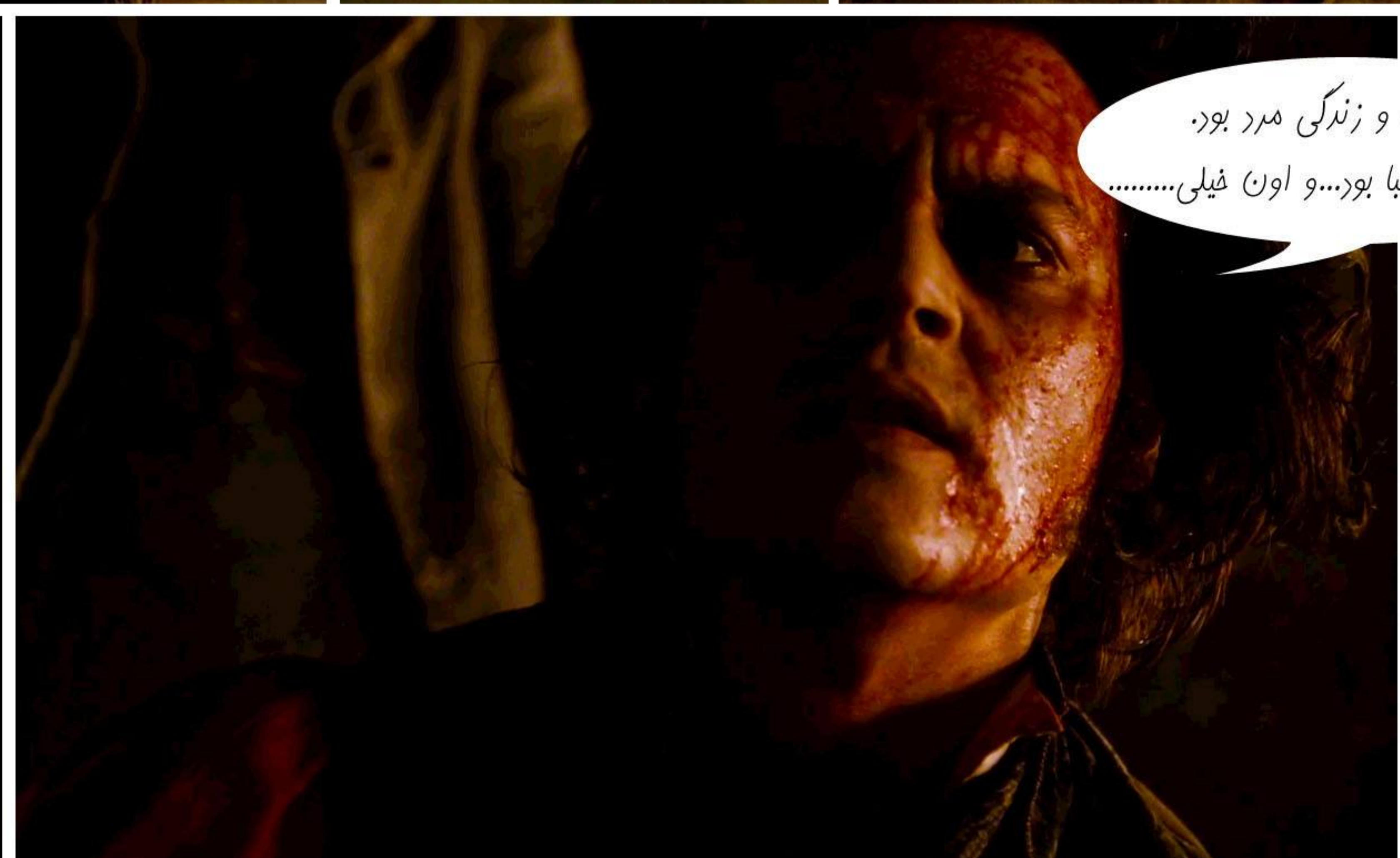
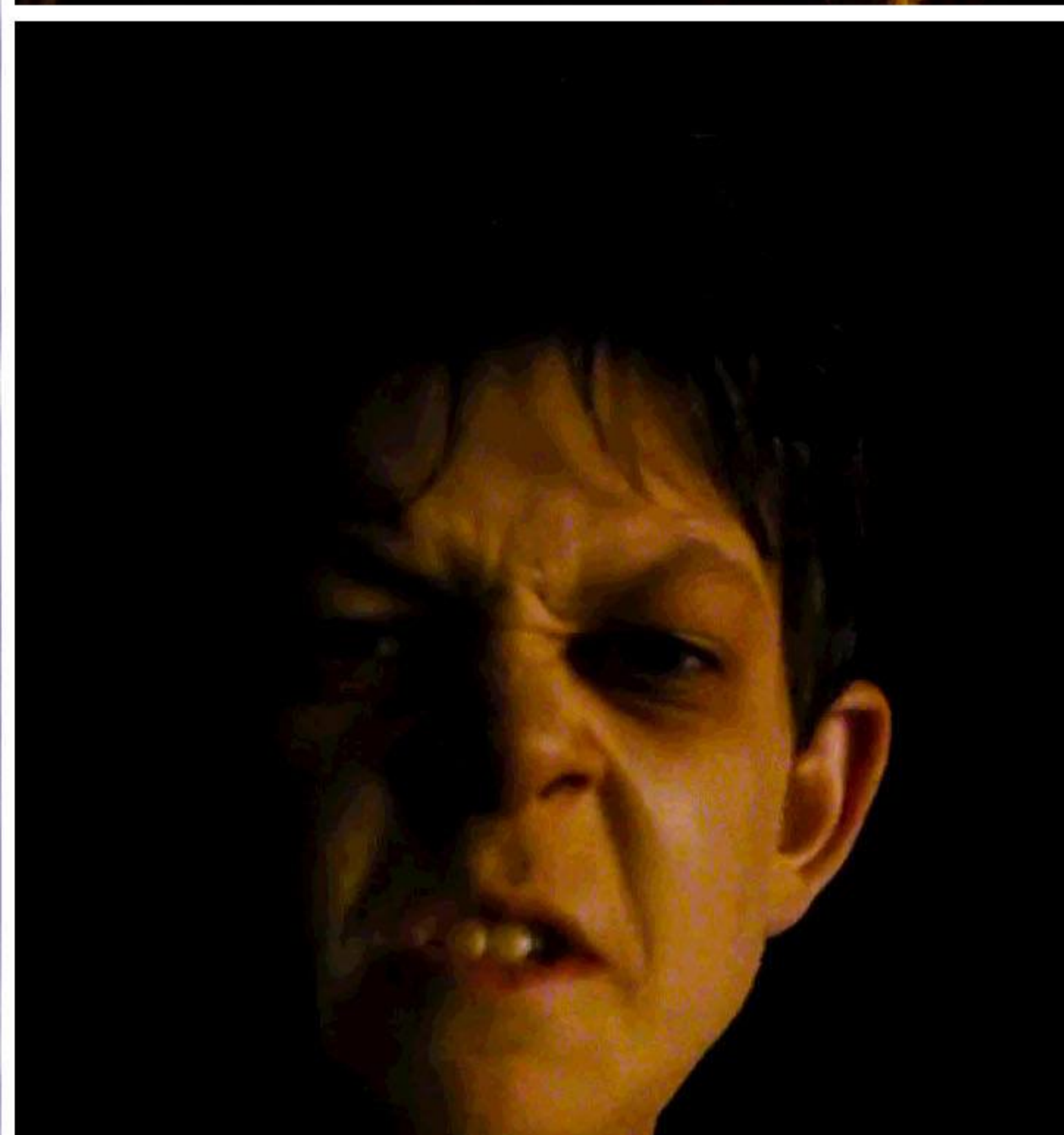


زندگی ادامه داره
واقعا زندگی ادامه داره

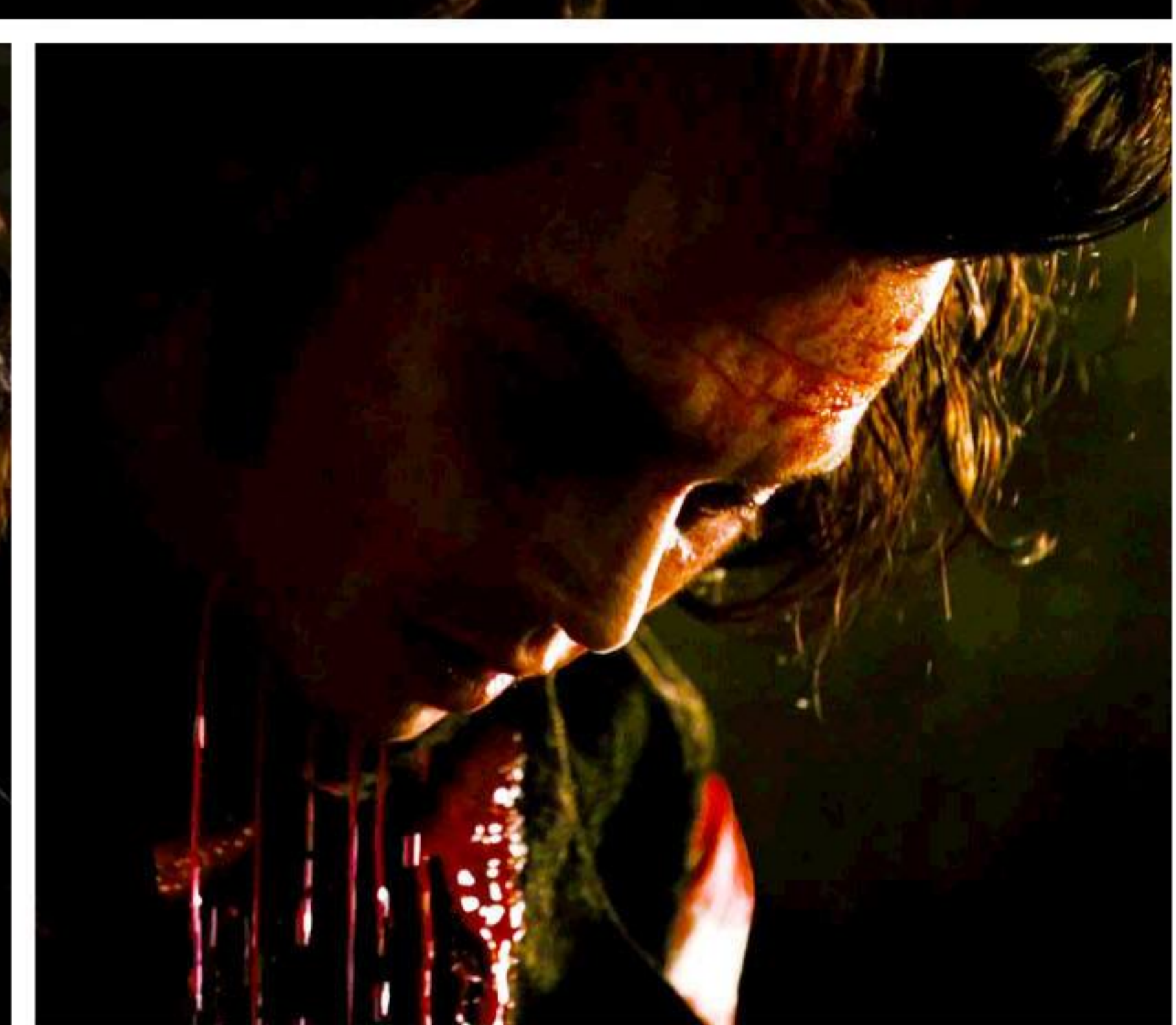
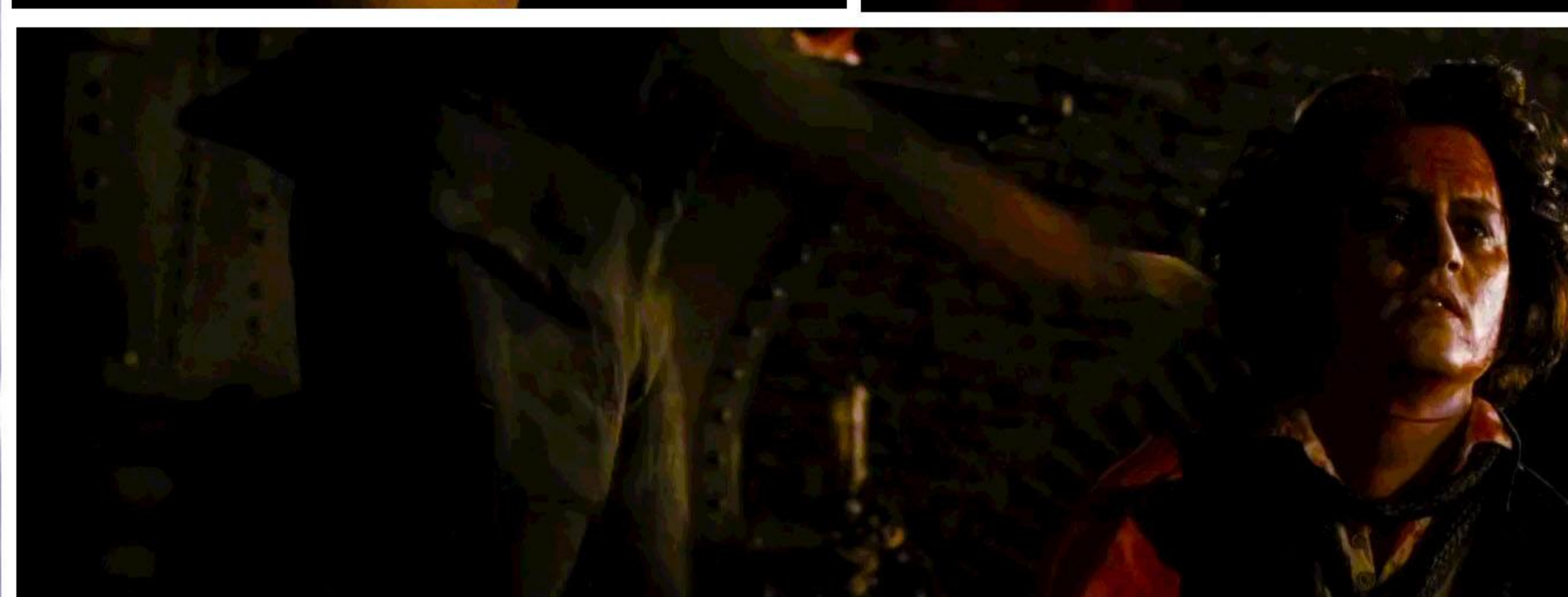




یک آرایشگر و همسرش
و اون فیلی زیبا بود
به آرایشگر احمق و همسرش



اون عقل و زندگی مرد بود.
و اون فیلی زیبا بود... و اون فیلی.....



JOHNNY DEPP

by TIM BURTON

SWEENEY TODD

DER TEUFELSCHE BARBIER AUS DER FLEET STREET



DVD
VIDEO